

دریافت پول حرام است.
ایقان

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

English Help Book

کتاب یار زبان

«مناسب کمک آموزشی برای دانش آموزان و کنکوری ها»

ENGLISH HELP BOOK

Grammars • Write Skills • Read Skills

BY: MOBIN.NAJAFI

www.English_help_book.rzb.ir

سرشناسه: نجفی، مبین ۱۳۷۸

عنوان و نام پدیدآورنده: کتاب پار زبان «بخوانیم تا بدانیم» / مبین نجفی

مشخصات نشر: سندج، زانست، ۱۳۹۴

مشخصات ماهری: ۱۲ صفحه

شابک: ۳-۰۱-۷۱۲۲-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: قیبا

عنوان دیگر: کتاب پار زبان

موضوع: راهنمای آموزشی / زبان انگلیسی / پارسی زبانان

رده بندی کنگره: ۱۱۳PE ن ۲۷۶ ب / ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۴۲۸ / ۴۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۱-۵۱۱۱

توجه

به دلیل حمایت نکردن از بنده بخاطر فروش نفع چاپی این کتاب بصورت رایگان در اختیار شما دوستان عزیز قرار میگیرد، امیدوارم که بهره خود را از این کتاب ببرید.



Mobein Najafi

Mobin580@gmail.com

www.English-Help-Book.rzb.ir

نویسنده: مبین نجفی

چاپ: ۱۳۹۴

مراج و صفحه آرا: مبین نجفی

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

!!! تمامی حقوق این جزوه / کتاب محفوظ و متعلق به نویسنده میباشد!!!

مناسب کمی آموزشی و راهنمایی درسی دانش آموزان راهنمایی و

دبیرستان و دانش آموزان گرامر و قواعد زبان انگلیسی به زبان فارسی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

In The Name Of God

بهترین کارها سه چیز است: تواضع به هنگام دولت، عفو به هنگام قدرت و بخشش

بدون منت. پیامبر اکرم «ص»

The best acts are three: humility on wealth time, forgiveness on power time and generosity without obligation. Holy prophet (peace be upon him)

برترین صدقات اصلاح میان مردم است. پیامبر اکرم «ص»

Reconciliation between people is the best alms. Holy prophet (Peace be upon him)

هیچ کس از مشورت بدبخت نشد و از خودرأیی خوشبخت نشد. پیامبر اکرم «ص»

No one became miserable on consultation and no one became prosperous on self-consultation. Holy prophet (peace be upon)

بهترین ثروت آن است که آبرو بدان نگهداری و حفظ شود. حضرت علی «ع»

The best wealth is what protects the honor. Holiness Ali (peace be upon him)

SPEECH WITH YOU

سخنی با شما

In the name of God hi dear reader thanks of God who helped me to write this book. This book made by slogan (read to know) read this book & use of software for learn better. Maybe the list of this book is wrong so dear teacher please use of your experience for teach lessons. I think English is try 'practice 'repeat. This book is myself experience & doesn't use of special source. This book can help to student & everyone who want learn English. I think whether English teach by local language is better for those ones who can't read & write good. If this book have mistakes please share it with us. If English teach by smooth & simple language everyone can learn English. I thanks of my teacher (Mr. Salami) & my Family & my school adjust (Mr.Valiee) who helped me to write this book. Example the others book this book have some mistake in first edition but in second edition this book have been changed. Thanks

«وجه تمایز این کتاب با سایر کتاب گرامر موجود اینست که روند کار به نحوی طراحی شده که در انتها، خواننده مبتدی به آسانی انگلیسی را مکالمه کند و خواننده قویتر بهبود چشمگیری در مکالمه خود احساس نماید.» «بنده بر این باورم که اگر زبان انگلیسی و یا هر زبانی با زبان محلی آن منطقه تدریس شود، یادگیرنده بهتر و زودتر به آن زبان تسلط میابد. دوست داشتم این کتاب رایگان در اختیار شما قرار گیرد، اما بخاطر مشکلات و هزینه ها چاپ این کتاب بصورت فروش در آمده است. شاید با خود فکر کنید که چرا این کتاب، خب در جواب باید بگوئیم فقط یک مقایسه بین خوانندگان این کتاب و آنهایی که کتاب هایی دیگر کتاب هارا مطالعه میکنند، انگلیسی انجام دهید، تا خودتان به وجه تمایز این کتاب با سایر کتاب ها پی ببرید. این کتاب نیز مانند سایر کتابها در چاپ اول اشتباهاتی داشت که در ویرایش دوم اصلاح و درست شده است.» سپاس

Table of contents

فهرست محتوا

Part A/Main Grammars

❖ Sentences structure/8

Lesson 1/Times

- ❖ Time Definition/8
 - ✓ Present
 - ✓ Simple/10
 - ✓ Continuous/11
 - ✓ Perfect/12
 - ✓ Perfect continuous/13
 - ❖ Past
 - ✓ Simple/19
 - ✓ Continues/20
 - ✓ Perfect/21
 - ✓ Perfect continuous/22
 - ❖ Future
 - ✓ Simple/27
 - ✓ Continuous/28
 - ✓ Perfect/29
 - ✓ Perfect continuous/30
 - ✓ Future in past/32
-

Lesson 2/Pronouns

- ❖ Pronouns Definition/34
 - ✓ Subjective/34
 - ✓ Objective/35
 - ✓ Possessive/36
 - ✓ Reflective/37
 - ✓ Imprecise/38
 - ✓ Other Pronouns/39
-

Lesson 3/ Adjectives

- ❖ Adjectives
 - ✓ Equality/41
 - ✓ Comparative/42
 - ✓ Superlative/43

Lesson 4/Main Grammars

- ❖ P.P(Past/Present Participle)/45
 - ❖ A,An/46
 - ❖ Wh question/49
 - ❖ If clauses
 - ✓ Type 1/50
 - ✓ Type 2/51
 - ✓ Type 3/52
 - ❖ Passive clauses/53
 - ❖ Causative clauses/59
 - ❖ Reported speech/60
-

Lesson 5/Nouns

- ❖ Noun Definition
 - ❖ What's noun?/66
 - ❖ Nouns/67
 - ❖ Irregular nouns/68
-

Lesson 6/ Subsidiary Grammars

- ❖ How ask Time?/72
 - ❖ Auxiliary verbs/73
 - ❖ English sound/79
 - ❖ Relative clauses/82
 - ❖ Wish sentences/84
 - ✓ Type 1
 - ✓ Type 2
 - ✓ Type 3
 - ❖ Rather & prefer/87
 - ❖ Adverbs
 - ✓ What's adverb?/88
 - ✓ Condition adverb/88
 - ✓ Place,Time,Much,Repeat, sequence/89
 - ✓ Adverbs palace/90
 - ✓ Structure/91
 - ❖ Tag question/92
 - ❖ The/94
 - ❖ Gerund/98
 - ❖ Any, not/99
 - ❖ Affair injunction/100
 - ❖ Nouns alternative/100
-

- ❖ Some notice grammar /101
- ❖ Preposition/103
- ❖ Spelling notice/104

Part B

Lesson1/photo dictionary

- ❖ Tools/107
- ❖ Body/108
- ❖ Vegetables/109
- ❖ Fruits/110
- ❖ Foods/111
- ❖ Geometric shapes/112
- ❖ Clothes/113
- ❖ Transportations/114
- ❖ Sports/115
- ❖ Illness/116

Lesson2/Teacher's Advice

- ❖ English proverbs/117
- ❖ Seven law for learn English/119 □ How read/121
- ❖ Why you don't learn English/123
- ❖ How change your accent?/125
- ❖ How learn New Words?/127
- ❖ Choose good dictionary/129
- ❖ English idioms/130
- ❖ English number secret/131
- ❖ Story/132

Part C

Read more

- ❖ Phonetics/134
- ❖ Verbs/135
- ❖ Vowels&consnants/137
- ❖ Letters Sounds/139

Sentences structure

ساختار جمله

قبل از شروع دروس ابتدا ساختار جملات انگلیسی را با هم مرور میکنیم:

(قیود+مفعول+فعل اصلی+فعل کمکی+فاعل)
We are going to park slowly.

که در درس های بعد به توضیح در مورد آنها میپردازیم.

فاعل:کننده کار فعل کمکی: **be/have/shall' should/will' would/etc**: هستند.

فعل اصلی:کاری را که فاعل انجام میدهد: **go/eat etc** مفعول:پذیرنده کار

قیود:چگونگی انجام کار که به بخش های زمان،مکان،حالت و....تقسیم میشوند.

What's Time?

زمان چیست؟

در تمامی زبان ها،کشورها،ملت ها،فرهنگ ها وکتابها مفهوم زمان شناخته شده است، اما زمان را برای چه بکار میبریم؟زمان یعنی انجام دادن کار یا عملی در زمان معینی،برای مثال:«من کتاب را خواندم»نشان دادن انجام کار در زمان گذشته است، پس مفهوم زمان یعنی «موقع انجام فعالیت یا کاری»اما زمان در زبان انگلیسی به چه نحوی است؟

همانطور که همه ما میدانیم زمان سه بخش دارد: 1-گذشته 2-حال 3-آینده،اما کاربرد این زمان ها در انگلیسی چیست؟خب باید بگوییم برای مشخص کردن صحبت وزمان صحبت کسی مثال: (**I go to school every day.**) ما باید بر اساس جمله و نوع جمله بدانیم منظور شخص زمان حال ساده و کار روزمره است، پس هر جمله زمان مشخص به خود را دارا میباشد،که در صفحات بعد به توضیح کامل آن میپردازیم.

Present In English

زمان حال در انگلیسی

زمان حال همانطور که از اسمش پیداست زمانی است که ما در آن قرار داریم نه رفته است و نه در آینده انجام میشود. زمان حال بخش های مختلف دارد که عبارتند از: «1- حال ساده-2- حال استمراری-3- حال کامل-4- حال کامل استمراری» که هم اکنون برای شما از هر کدام در زبان انگلیسی مثالی میاوریم:

1-simple present

«حال ساده»

Ex: I go to school

2-present continues

«حال استمراری»

Ex: I am reading book.

3-present perfect

«حال کامل»

Ex: I have been at school.

4-present perfect continues

«حال کامل استمراری»

Ex: I have been reading book.

simple present

حال ساده

حال ساده انجام کار روزمره و معمول است.

حال ساده مضارع است با این تفاوت که نشان از انجام کاری است، که الان و روزهای بعد مشغول به آن هستیم.

«Subject + do/does + s/es verb + repeat adverb»

do نشانه حال است که برای اول، دوم شخص مفرد و اول، دوم و سوم جمع بکار میرود. **Does** همان **Do** و نشانه حال ساده است و فقط برای سوم شخص «مفرد» کاربرد دارد.

Repeat adverb قید تکرار در هر جمله ای باشد آن جمله بی شک حال ساده است.

s.es که برای فعل در سوم شخص بکار میرود نشانه حال ساده است. به این صورت است که هر فعل جز **do** و **does** بیاید، یا **es** میگیرد تا تبدیل به فعل حال ساده گردد.

Imperative

Question

- | | |
|------------------------------------|------------------------------|
| ■ I go to school every day. | Where do you go every day? |
| ■ He has a car. | What does he has? |
| ■ They study this book always. | What do they study always? |
| ■ He washes his clothes sometimes. | What does he wash every day? |

نکته:

1-افعالی که به **z, o, x, ch, sh, s** ختم میشوند **es** میگیرند.

Washes/buzzes/watches/fixes/misses/mixes

2-افعالی که **y** ختم میشوند **s** میگیرند.

Play — مفرد شخص سوم — Plays

3-قید تکرار نشانه حال ساده:

Always/usually/sometimes/never/often etc.

present continuous

حال استمراری

زمان حال استمراری کاری است که هم اکنون در حال انجام شدن است.

«Subject + To be + Verb + Ing»

در واقع حال استمراری کاری است که هنوز آنرا به پایان نرسانده ایم و مشغول آن هستیم. برای بکار بردن زمان حال استمراری ضروری است که نشانه های بالا را بکار ببریم. برای نوشتن زمان حال استمراری باید فعل مورد نظر ما همراه Ing بیاید.

am:I/is:he.she.it/are:we.you.they

Imperative

- I'm reading a book
- He's going to school
- She's studying a book
- Please be quiet they're writing

Question

- What are you doing?
- What is he doing?
- What is she studying?
- What are they writing?

موارد استفاده از افعال بودن زمان حال «to be»:

1- همراه با صفات از **is** استفاده میشود:

She is beautiful.

2- همراه با اسم استفاده میشود:

I am Martin.

3- همراه با ملیت و اهل مکانی:

I'm Kurdish, I'm from Iran.

4- همراه با شغل ها:

I'm student.

5- همراه با سن: I'm 15 years old.

6- همراه با اسامی و چیزهای مورد علاقه «ورزش، رنگ، کتاب، برنامه و ...»:

My favorite magazine is danestaniha. My favorite color is blue.

از **to be going to** برای نشان از قصد انجام کاری در آینده نزدیک استفاده میکنیم:

I am he/she/it is we/you/they are	(not) going to	do ... drink ... watch ...
Am I Is he/she/it Are we/you/they	going to	Buy ...? Eat ...? Wear ...?

Present perfect

حال کامل

Have you been to Mexico City?
Yes, I have. Many times.

Have you ever been to Japan?
No, I've never been to Japan.

Have been / have driven / have played, etc. is the *present perfect* (have + past participle):

I	have ('ve)	played	I	played?	} regular verbs
we	have not (haven't)	lived	we	lived?	
you		visited	you	visited?	
they		read	they	read?	
he	has ('s)	lost	he	lost?	} irregular verbs
she	has not (hasn't)	been	she	been?	
it		flown	it	flown?	

زمان حال کامل کاری است که از گذشته تا کنون بحث میکند. «ماضی نقلی»

Present perfect is the work which speak of past to know.

برای مثال: من در انگلیس بوده ام برای ۳ سال. نشانه های حال کامل در زیر آمده است:

«Subject Have/has+p.p+...»

p.p به معنی اسم مفعول است که همان جز سوم فعل است که فعل همانند مفعول

عمل میکند و منظور را میرساند توجه: در معنی کردن جمله دقت کنید.

have.has برای حال کامل استفاده میشود منظور از داشتن نیست بلکه به منظور

شناسه و فعل کمکی همیشگی در جمله است

Imperative

Question

- I've been at Italia for 3years How long have you been at Italia?
- He have ridden a car since2010 How long he has ridden a car?
- They have read this book from2008

برای سوم شخص مفرد از **has** استفاده میکنیم.

Perfect continuous

حال کامل استمراری

کارهایی که در گذشته آغاز شده و ادامه یافته و تا زمان حال رسیده و ممکن است در آینده نیز ادامه یابد.

« Subject+Have/has+been+v.ing »

حال کامل استمراری زمان پیچیده و مبهمی است حتما چند بار تمرین کنید. «have.has» این کلمه که برای حال کامل نیز استفاده میشود منظور از داشتن نیست بلکه فعل کمکی اصلی جمله است. Been: بعد از فعل کمکی have قرار میگیرد و نشانه حال کامل استمراری است، و در سوال کردن معنی تا به حال را به خود میگیرد. [verb+ing] که در درس های قبلی با آن برخورد کرده ایم فعل را + ing میکنیم و در معنی کردن «می» به فعل می افزاییم.

Imperative

- I've been going to Italia
- He's been waiting for 3hour
- It's been raining

Question

- Have you been + v.ing
- How longhas/have been v.ing

<p>I am doing present continuous</p> <p>↓ now</p> <ul style="list-style-type: none"> • Don't disturb me now. I'm working. • We need an umbrella. It's raining. • Hurry up! We're waiting. 	<p>I have been doing present perfect continuous</p> <p>→ now</p> <ul style="list-style-type: none"> • I've been working hard, so now I'm going to have a rest. • The ground is wet. It's been raining. • We've been waiting for an hour.
--	---

Learn present

یادگیری زمان حال

هر یک از جملات زیر را بخوانید و با کمک دوستان خود معنی کنید:

Simple present:

- 1-I do my homework.
- 2-I drink water.
- 3-I go to park every day.
- 4-he studies his book.
- 5-she drinks water.

Present continues:

- 1-I'm playing the piano.
- 2-he's eating dinner.
- 3-they're going to japan.
- 4-we're riding. 5-
- you're writing a letter.

Present perfect:

- 1-I have been at England for 10 year.
- 2-he has gone to school since 2005.
- 3-we have ridden bike.
- 4-they have traveling since 21 days ago.
- 5-you have driven fast.

Present perfect continues:

- 1-I have riding bike.
- 2-she has eating lunch.
- 3-you have studying for 10 year.
- 4-they have driving fast.
- 5-he has eating dinner.

Exams

امتحان زمان حال

گزینه صحیح را علامت بزنید:

A) Which of this sentences is simple present?

- 1-I ride bike.
- 2-I have riding bike.
- 3-I have ridden bike.
- 4-he put his shoes in the box.
- 6-she drank water.

B) Which of this sentences are true?

- 1-I'm rode bike.
- 2-I did homework every day.
- 3-I have been in Italy for 3year.
- 4-She have writing letter.
- 5-he has go out.

C) Which of this sentences is present continues?

- 1-I drink water.
- 2-I drinking water.
- 3-I'm drinking water.
- 4-I'm drink water.
- 5-I is drinking water.

D) Which if this sentences is present perfect?

- 1-I have riding bike
- 2-I ride bike.
- 3-I have eaten dinner.
- 4-I have drive a car.
- 5-I had catch a cat.

E) Which of this sentences are false?


- 1-I play football
- 2-I reading book.
- 3-he is playing soccer.
- 4-we have traveled japan.

Present explore

مرور زمان حال

Simple

do does	I/we/you/they he/she/it	work? come? do?	I/we/you/they he/she/it	don't doesn't	work come do
------------	----------------------------	-----------------------	----------------------------	------------------	--------------------




Alex is a bus driver, but now he is in bed asleep. So: He is *not* driving a bus. (He is asleep.) *but* He **drives** a bus. (He is a bus driver.)
Drive(s)/work(s)/do(es) etc. is the *present simple*:

I/we/you/they	drive/work/do etc.
he/she/it	drives/works/does etc.

Continuous

Ann is in her car. She is on her way to work. She is driving to work.
This means: she is driving *now*, at the time of speaking. The action is not finished.
Am/is/are -ing is the *present continuous*:

I	am (= I'm)	driving
he/she/it	is (= he's etc.)	working
we/you/they	are (= we're etc.)	doing etc.



Present explore

<p>Present continuous (I am doing) Use the continuous for something that is happening at or around the time of speaking. The action is not finished.</p> <p style="text-align: center;">I am doing</p> <p style="text-align: center;">past now future</p> <ul style="list-style-type: none"> • The water is boiling. Can you turn it off? • Listen to those people. What language are they speaking? • Let's go out. It isn't raining now. • 'Don't disturb me. I'm busy.' 'Why? What are you doing?' • I'm going to bed now. Goodnight! • Maria is in Britain at the moment. She's learning English. <p>Use the continuous for a <i>temporary</i> situation:</p> <ul style="list-style-type: none"> • I'm living with some friends until I find a flat. • 'You're working hard today.' 'Yes, I've got a lot to do.' 	<p>Present simple (I do) Use the simple for things in general or things that happen repeatedly.</p> <p style="text-align: center;">I do</p> <p style="text-align: center;">past now future</p> <ul style="list-style-type: none"> • Water boils at 100 degrees celsius. • Excuse me, do you speak English? • It doesn't rain very much in summer. • What do you usually do at weekends? • What do you do? (= What's your job?) • I always go to bed before midnight. • Most people learn to swim when they are children. <p>Use the simple for a <i>permanent</i> situation:</p> <ul style="list-style-type: none"> • My parents live in London. They have lived there all their lives. • John isn't lazy. He works very hard most of the time.
--	---

Present explore

مرور زمان حال

I am doing (present continuous)

am/is/are +ing(verb)=something doing now

I'm working
She's wearing a hat
They're playing football
I'm not watching television

Imprative

- I'm reading a book
- He's going to school
- She's starting a book
- Please be quiet they're writing
- We're going to picnic

A...[etc.]

question

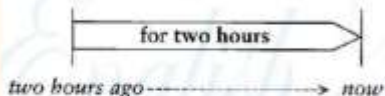
- What are you doing?
- What is he doing?
- What is she starting?
- What are they writing?
- Where are you going?

A...[etc.]

از since و for برای مدت انجام یک عمل و حادثه استفاده میکنیم.

We use **for** when we say a period of time (two hours, six weeks etc.):

- I've been waiting for two hours.

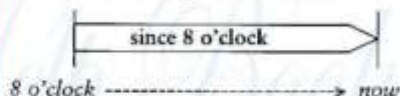


	for	
two hours		a week
20 minutes		50 years
five days		a long time
six months		ages

- Sally's been working here **for** six months. (not 'since six months')
- I haven't seen Tom **for** three days. (not 'since three days')

We use **since** when we say the *start* of a period (8 o'clock, Monday, 1985 etc.):

- I've been waiting **since** 8 o'clock.



	since	
8 o'clock		1977
Monday		Christmas
12 May		lunchtime
April		they were at school

- Sally's been working here **since** April. (= from April until now)
- I haven't seen Tom **since** Monday. (= from Monday until now)



Ann's clothes are covered in paint. She **has been painting** the ceiling.

Has been painting is the *present perfect continuous*.

We are interested in the activity. It does not matter whether something has been finished or not. In this example, the activity (painting the ceiling) has not been finished.



The ceiling was white. Now it is blue. She **has painted** the ceiling.

Has painted is the *present perfect simple*.

Here, the important thing is that something has been finished. 'Has painted' is a *completed action*. We are interested in the *result* of the activity (the painted ceiling), not in the activity itself.

Past In English

گذشته در انگلیسی

زمان گذشته مفهوم ساده و معنا داری دارد کاری که در گذشته انجام شده و به اتمام رسیده است، نیامده و نه خواهد آمد، پس کار پایان یافته را زمان گذشته مینامیم. که همانند ادبیات فارسی از بخش های مختلفی درست شده است که هم اکنون به آنها اشاره خواهیم کرد: «1- گذشته ساده 2- گذشته استمراری 3- گذشته کامل 4- گذشته کامل استمراری» که همانند زمان حال هر کدام قوائد مربوط به خود را دارا میباشند.

1-simple past

2-past continuous

3-past perfect

4-past perfect continuous

Simple Past

گذشته ساده

زمان گذشته ساده: کاری است که به اتمام رسیده است و میخواهیم در موردش حرف بزنیم.

«Subject + did + past verbs»

Did همان **do/does** است که شکل گذشته آنرا را مینویسیم. اما باید دقت کرد که برای تمامی اشخاص یکسان است و **p.verb** یا فعل گذشته همان فعل اصلی است که بصورت گذشته تغییر نمیکند تمامی افعال به شکل خاصی به گذشته تبدیل میشوند که در صفحه آخر به توضیح در مورد آن پرداخته ایم. توجه: اگر در سئوالی کردن از فعل کمکی **did** استفاده نمائیم، فعل بصورت شکل ساده نوشته میشود، یعنی به گذشته تبدیل نمیشود.

Imperative

- I did my homework
- He ate an apple
- They rode bike
- We saw the film

Question

- What are you doing?
- What is he doing?
- What is she studying?
- What are they writing?

Present perfect

- Tom has lost his key. He can't get into the house.

Here we are not thinking of the past action.

We are thinking of the present result of the action: Tom doesn't have his key now.

Simple past

- Tom lost his key yesterday. He couldn't get into the house.

Here we are thinking of the action in the past. We don't know from this sentences whether Tom has his key now.

past continuous

گذشته استمراری

زمان گذشته استمراری کاری است که انجام شده و میخواهیم آنرا در زمان حال طوری باز گو کنیم که به نظر بیاید هم اکنون آنرا انجام میدهیم، مثال: (داشتم کتاب میخواندم).

«Subject+ Tobe(was/were)+verb ing»

(Was/were) همان افعال بودن هستند اما به شیوه گذشته کاربرد دارند پس دقت نموده. (was:I/HE/SHE/IT)&(WERE:WE/YOU/THEY) برای گذشته

استمراری از افعال حال استفاده میشود ولی **ing** به آخر آنها اضافه میکنیم زمان گذشته استمراری همانند حال استمراری است ولی تفاوت آنها افعال بودن است پس در درست نوشتن و خواندن و معنی کردن آنها دقت خود را به عمل آورده.

Imperative

Question

- | | |
|---------------------------|------------------------|
| ▪ I was doing my homework | What was? |
| ▪ He was eating an apple | What was he eating? |
| ▪ They were seeing movie | What were they seeing? |
| ▪ We were going to park | Where were you going? |

I started doing

I was doing

I finished doing



Past

past

now

نکته: این زمان میتواند تکمیل کننده زمان گذشته ساده باشد برای مثال: من داشتم نهار میخوردم که تلفن زنگ زد.

I was eating lunch when phone ranged.

past perfect

گذشته کامل

گذشته کامل ماضی بعید است، کاری که در گذشته قبل از کاری دیگر انجام شده باشد، نشانه های گذشته کامل است که همانند حال کامل است.

«Subject + had + past participle»

Had گذشته فعل **Have** است و در گذشته کامل نقش فعل کمکی را دارد و هیچگاه در زمان های حال و گذشته کامل و کامل استمراری تغییر میکند. **(P.P)** همان اسم مفعول است که در حال کامل به توضیح آن پرداختیم. فعل را به اسم مفعول تبدیل میکنیم.

Imperative

- I had done my homework
- He had eaten an apple
- They hadn't ridden bike
- We had seen a film

Question

- had ... ever?
- how long had?

<i>present perfect</i>	<i>past perfect</i>
<ul style="list-style-type: none"> • Who is that woman? I've never seen her before. • We aren't hungry. We've just had lunch. • The house is dirty. They haven't cleaned it for weeks. 	<ul style="list-style-type: none"> • I didn't know who she was. I'd never seen her before. (= before that time) • We weren't hungry. We'd just had lunch. • The house was dirty. They hadn't cleaned it for weeks.

Perfect Continuous

گذشته کامل استمراری

Yesterday morning I got up and looked out of the window. The sun was shining but the ground was very wet. It had been raining. It was not raining when I looked out of the window; the sun was shining.

But it had been raining before. That's why the ground was wet.

هر گاه دو کار در زمان گذشته انجام گرفته و یکی از کارها مقدم بر دیگری باشد و در عین حال مدتی نیز ادامه داشته باشد آن را به صورت ماضی بعید استمراری بیان میکنیم.

«Subject + had + been + v.ing»

Had گذشته فعل داشتن است که در این جملات به عنوان فعل کمکی استفاده میشود. **ing** را برای گذشته کامل استمراری به فعل مضارع اضافه میکنیم، در معنی آن دقت کنید و جمله باید صحیح معنی شود. **Been**: این کلمه در اصل به معنی بودن است و در زمان ها به عنوان کمکی همیشه در جمله بعد از **had** قرار میگیرد. گذشته کامل استمراری نیز میتواند، بعد از جمله خبری زمان گذشته ساده بیاید. میتوانیم از قیود زمان نیز برای تمامی زمان و زمان گذشته کامل استمراری استفاده کنیم.

Imperative

- I had been doinh my homework
- He had been eating an apple
- They had been riding bike
- We had been seeing a film

Question

- had ... been+v.ing?
- had ever.....?

present perfect continuous	past perfect continuous
<ul style="list-style-type: none"> • I hope the bus comes soon. I've been waiting for 20 minutes. (<i>before now</i>) • He's out of breath. He has been running. 	<ul style="list-style-type: none"> • At last the bus came. I'd been waiting for 20 minutes. (<i>before the bus came</i>) • He was out of breath. He had been running.

learn

یادگیری زمان گذشته

هر یک از جملات زیر را بخوانید و با کمک دوستان خود معنی کنید:

SIMPLE PAST:

- 1-I did my homework.
- 2-I washed dishes.
- 3-I went to the park.
- 4-I ate lunch
- 5-I saw Ali in the street.

PAST CONTINUOUS:

- 1-I was going to school.
- 2-She was eating dinner.
- 3-They were playing football.
- 4-We were going to tennis match.
- 5-He was writing a letter.

PAST PERFECT:

- 1-I had been at school.
- 2-They had eaten dinner.
- 3-We had gone to park.
- 4-He has leaved here for 3years.
- 5-She has been a teacher from 1998to2008.

PAST PERFECT CONTINUOUS:

- 1-I had been going to school.
- 2-They had been eating lunch.
- 3-She had been driving a car.
- 4-He had been painting a wall.
- 5-We had been running.

Past Exam

امتحان زمان گذشته

گزینه صحیح را علامت بزنید.

A) WHICH OF THIS SENTENCES IS SIMPLE PAST?

- 1-I was eating lunch.
- 2-She had gone to school.
- 3-She washed clothes.
- 4-He had been driving fast.
- 5-I wash clothes.

B) WHICH OF THIS SENTENCES ARE TRUE?

- 1-I had eat dinner.
- 2-I is washing dishes.
- 3-They were eating lunch.
- 4-They was eating lunch.
- 5-he had been eat dinner.

C) WHICH OF THIS SENTENCES IS PAST PERFECT?

- 1-I had been at Italia.
- 2-I gone to school.
- 3-I reading.
- 4-I had were at Italia.
- 5-I was reading.


D) WHICH OF THIS SENTENCES ARE FALSE?

- 1-I had eaten sushi.
- 2-I was reading my book.
- 3-I had read my book.
- 4-I had been reading this book.
- 5-I had been at Italia.

Past explore

مرور زمان گذشته

Wolfgang Amadeus Mozart was an Austrian musician and composer. He lived from 1756 to 1791. He started composing at the age of five and wrote more than 600 pieces of music. He was only 35 years old when he died. Lived/started/wrote/was/died are all *past simple*.



هر گاه چندین جمله به دنبال هم قرار بگیرند و جمله اول گذشته باشد سایر جملات نیز به گذشته تبدیل میگردند. اگر چه در فارسی ممکن است اینطور نباشد. مثال:
1- او گفت باید انجام بده هر چی را که برادر بزرگش میگه.

He said that he had to do whatever his older brother said.

2- او خوب می دانست که حق ندارد من رو اخراج کند.

He knew well that he didn't have the right to fire me.

در این فصل آموختیم زمان گذشته نیز همانند زمان گذشته 4 بخش دارد که گذشته ساده کاری است که به اتمام رسیده و هم اکنون میخواهیم انرا بازگو کنیم. گذشته استمراری: زمانی است که در گذشته مشغول به انجام ان بوده ایم و کار دیگر نیز در همان حال رخ داده مثال: **I was reading book 'when phone rang.** (وقتی که تلفن زنگ خورد، داشتم کتاب میخواندم). گذشته کامل: دو کار در گذشته که هم زمان انجام گرفته باشند و همان ماضی بعید خودمان است. گذشته کامل استمراری: دو کار که در گذشته باهم طوری که یکی از آنها مدتی ادامه داشته باشد را گذشته کامل استمراری میگوییم.

«از خواننده انتظار می رود که زمان های ساده و استمراری را بخوبی و نیز کامل و کامل استمراری را نیز یاد گرفته باشد و از آنها درست و به موقع استفاده کند.»

Future in English

آینده در انگلیسی

زمان آینده چیست؟ زمان آینده کاری است که هنوز نیامده است و انجام نشده است و ما قصد انجام آن را داریم. زمان های آینده بخش های زیاد و گسترده ای دارد بنابراین فقط حفظ کردن درست نیست، بلکه باید آن زبان را تمرین و درک کنیم، پس در معنی و درست نوشتن دقت کنید. «با توجه به جستجو و فعالیت های زیاد امکان دارد، زمان های آینده کامل و کامل استمراری اصلا کاربرد نداشته باشند، پس نیازی به تدریس و یادگیری نیست و اصلا این زمان ها شناخته شده نیستند و فقط بپاس اطلاع شما نوشته شده است. این زمان ها برای پیش بینی کاری بکار برده میشوند، پس لطفا قبل از آموزش و شروع یادگیری اقدام به جستجو شخصی کنید و اگر اطلاعاتی در مورد زمان های آینده کامل و کامل استمراری بدست آوردید با ما درمیان بگذارید.»

FUTURE:

1-simple Future

2-Future continuous

3-Future perfect

4-Future perfect continuous

Future simple

آینده ساده

آینده ساده زمانی است که نیامده ولی ما قصد انجام کاری در آینده را داریم.

«Subject + shall /will + simple verb»

WILL/SHALL نشانه زمان آینده ساده است. **SHALL** در انگلستان و برای اول شخص مفرد کاربرد دارد. **WILL** به معنی خواستن است و برای هر شخص این فقط برای آینده ساده این چنین معنی میشود: 1- خواهم 2- خواهی 3- خواهد 4- خواهیم 5- خواهید 6- خواهند.

EXAMPLE:

- 1-I will buy a car.
- 2-They will go to park.
- 3-She will drink water.
- 4-I shall buy a book.
- 5-We will go to Turkey.

HOW ASK QUESTION/نحوه سوال کردن:

- 1-Will you buy a car?
- 2-Will they go to park?
- 3-Will she drink water?
- 4-Shall I buy a car?
- 5-Will we buy a bike??

Future continuous

آینده استمراری

این زمان همانند زمان حال استمراری است و به این معنی است که هم اکنون میخواهید کاری را در آینده نزدیک انجام دهید و فقط تفاوت آنها در افعال بودن است، و همانند زمان حال استمراری معنی میشود، پس دقت کنید.
نشانه های آینده ساده:

«Subject + shall /will + be + V.ing»

EXAMPLE:

1-I will buying a car.

2-I will eating dinner.

3-He will drinking water.

(!!!توجه معنی آنها را همانند حال استمراری مینویسیم به تفاوت اینکه خواهیم /

خواهی / خواهد / خواهیم / خواهید / خواهند به معنی افعال اضافه میشود.)

1-من میخواهم ماشین بخرم. (در آینده نزدیک)

2-من میخواهم شام بخورم. (در آینده نزدیک)

3-او میخواهد آب بنوشد. (در آینده نزدیک)

کاربرد این زمان:

الف - دلالت بر انجام عملی می نماید که در زمان آینده در لحظه معینی در حال انجام می باشد.

ب - اگر اطمینان به انجام عمل به آینده داشته باشیم از این زمان استفاده می کنیم.

ج- نشانه های این زمان:

زمان قید + all

قید زمان آینده + لحظه معین

Future perfect

آینده کامل

کاری که قبل از کار دیگری در آینده تمام و کامل شده است، به این منظور که ما تصمیم به انجام دو کار را در آینده گرفته ایم.
کاری که تا زمان معینی در آینده انجام گرفته و تمام شده است.

«Subject + shall /will + have/has + p.p»

هم چنین چند قید زمان زیر نیز نشان گر آینده کامل هستند:

As soon as, until, still**EXAMPLE:**

When you return, I shall have done my work.

«وقتی که برگردی، من کارم را تمام کرده ام»

This trip will have sailed by 9 o'clock tomorrow night.

«این مسافرت فردا شب ساعت 9 حرکت خواهد کرد»

I will see you as soon as I have finished my work.

«من تو را میبینم، وقتی که کارم را تمام کنم»

طرز منفی سوالی کردن آینده کامل:

1- با کلمه **not** بعد از افعال کمکی **shall** و **will** منفی شده و اگر دو فعل کمکی

shall و یا **will** را به ابتدای جمله بیاوریم سوالی می شود.

2- **will not** مخفف میشود: **Won't**

Future perfect continuous

آینده کامل استمراری

قرینه این زمان در زبان فارسی وجود ندارد ، این زمان برای کاری است که تا زمان معینی در آینده انجام گرفته و کامل شده یا قبل از زمانی در آینده تمام شده ولی ضمناً مدتی نیز ادامه داشته باشد و قطعاً در آینده انجام میشوند.

«**Subject + shall /will + have/has + been+v.ing**»

EAMPLE:

I shall have been living in Tehran for 20 years by next month.

«من از ماه بعد در تهران زندگی خواهم کرد، برای 22سال»

They will have been talking for 1 hour by the time Thomas arrives.

«وقتی که توماس برسد، آنها باهم صحبت خواهند کرد برای 1ساعت»

She is going to have been working at that company for three years when it finally closes.

«او تا وقتی که کارخانه بسته میشود، برای سه سال در آنجا کار خواهد کرد»

نکته: نشانه این زمان **by** است.

SIMPLE FUTURE & FUTURE CONTINUOUS

Sue is talking to Helen:

Let's have a party.

That's a great idea.
We'll invite lots of people.



HELEN



SUE

will ('ll): We use will when we decide to do something at the time of speaking. The speaker has not decided before. The party is a new idea.



Kevin loves football and this evening there is a big football match on television. The match begins at 7.30 and ends at 9.15. Paul wants to see Kevin the same evening and wants to know what time to come to his house.

PAUL: Is it all right if I come at about 8.30?

KEVIN: No, I'll be watching the football then.

PAUL: Well, what about 9.30?

KEVIN: Fine. The match will have finished by then.

PAST/PRESENT/FUTURE PERFECT COMPARE

Compare will have (done) with other perfect forms:

- Ted and Amy have been married for 24 years. (*present perfect*)

Next year they will have been married for 25 years.

When their first child was born, they had been married for three years. (*past perfect*)

The times that mean future:

- | | |
|--|---------------------------|
| ■ I'm leaving tomorrow. | <i>present continuous</i> |
| ■ My train leaves at 9.30. | <i>present simple</i> |
| ■ I'm going to leave tomorrow. | <i>(be) going to</i> |
| ■ I'll leave tomorrow. | <i>will</i> |
| ■ I'll be leaving tomorrow. | <i>future continuous</i> |
| ■ I'll have left by this time tomorrow. | <i>future perfect</i> |
| ■ I hope to see you before I leave tomorrow. | <i>present simple</i> |

Future in past simple

آینده در گذشته ساده

جهت بیان انجام عملی است که قرار بوده در گذشته وقوع یابد. زمان این جمله عملاً "گذشته ساده است. ولی نسبت زمان نقل قول، حالت آینده داشته است.

«قید زمان گذشته و یا یک جمله گذشته ساده + فعل اصلی + would + فاعل»

«Subject+would+verb+yesterday/last+part time»

فعل کمکی این زمان برای تمامی ضمایر **would** می باشد و برای سوالی کردن این زمان از **Would** و برای منفی کردن آن از **would not** یا **wouldn't** استفاده میشود.

I would write a letter to him.

Would you write a letter to him?

Yes, I would. No, I would not.

چند نکته:

1- یکی از بیشترین استفاده های این زمان، کاربرد آن در جملات شرطی نوع دوم میباشد.

2- **HOPE-WANT** بعد از افعالی که خود قصدی در آینده را دارند نمیتواند بیاید: میتوان از سایر قیود زمانی که در کنار آینده ساده بکار میروند، بشرح زیر نام برد. بشرط آنکه با یک جمله حال ساده و یا حال کامل همراه باشد. جمله بکار رفته با قیود زیر معنای آینده دارد. **till until steel while when**

Future in past continuous

آینده در گذشته استمراری

جهت بیان عملی است که بصورت استمرار در یک زمان خاص در گذشته در حال وقوع بوده است.

(محدود شده قید زمان آینده + **ing** + فعل اصلی + **would+ be** + فاعل)

(Subject + would + be + verb + ing + tomorrow/next + part time)

فعل کمکی این زمان برای تمامی ضمایر **would** می باشد و برای سوالی کردن این زمان از **Would** و برای منفی کردن آن از **would not** یا **wouldn't** استفاده میشود.

Future in past perfect**آینده در گذشته کامل**

جهت بیان عملی است که قرار بوده در زمانی از گذشته کامل شود و یا به پایان برسد. زمان به پایان رسیدن فعل جمله نسبت به زمان شروع آن حالت آینده دارد. ولیکن نسبت به زمان حال، در وضعیت گذشته قرار داد.

(قید زمان گذشته + **by** + قسمت سوم فعل + **would + have** + فاعل)

(**Subject + would + have + P.P. + by + yesterday/last + part time**)

فعل کمکی این زمان برای تمامی ضمایر **would** می باشد و برای سوالی کردن این زمان از **would** و برای منفی کردن آن از **would not** یا **wouldn't** استفاده میشود.

I would have finished my homework by yesterday.

Would have finished your homework?

Yes I'd/no I would not.

نکته:

1- توجه داشته باشید که فعل **have** فعل کمکی اصلی در آینده در گذشته کامل است و در هر صورت در جمله میماند و تغییری نمیکند. و جملات شرطی نوع 3 کاربرد دارد.

Future in past perfect continuous

جهت بیان عملی است که قرار بوده در زمانی خاص از گذشته بصورت استمرار در حال کامل شدن باشد. یا به عبارتی، در یک مدت زمان لازم در گذشته، در حال تکمیل زمان انجام فعل بوده ایم.

(قید زمان گذشته + **ing + by** + فرم ساده فعل + **would + have + been** + فاعل)

(**Subject + would + have + been + verb + ing + by + yesterday/last**)

فعل کمکی این زمان برای تمامی ضمایر **would** می باشد و برای سوالی کردن این زمان از **Would** و برای منفی کردن آن از **would not** یا **wouldn't** استفاده میشود.

I would have been finishing my homework by last night at 20:00.

Would you have finishing your homework by yesterday at 07:30?

Yes I'd/no I'd not

English Pronouns

ضمایر انگلیسی

ضمایر در انگلیسی جایگزین اسم، شیئی یا هرچیز دیگر هستند که بر اساس نیاز به شکل های زیر تقسیم میشوند.

1- ضمایر فاعلی «انجام دهنده کار»

2- ضمایر مفعولی «پذیرنده کار»

3- ضمایر ملکی

4- ضمایر انعکاسی

5- ضمایر اشاره

که در صفحات بعد به توضیح و اشاره آنها میپردازیم.

Subjective Pronouns

ضمایر فاعلی

ضمایر فاعلی جانشین اسم و انجام دهنده کار هستند و باید توجه داشت که فاعل همیشه در ابتدای جمله قرار میگیرد، کاری را انجام میدهد:



I

We

You

He

She

They

مفرد	جمع
I	We
You	You
He'she'it	they

Example: He went to doctor-I'm going to school

Objective Pronouns

ضمایر مفعولی

اگر چه این ضمایر را ضمایر مفعولی مینامیم، اما آنها به جز در جای مفعول در هر جای دیگری هم میتوانند قرار بگیرند، مثلاً بعد از فعل یا بعد از یک حرف اضافه قرار میگیرند.

Our teacher was angry with **us**. «معلممان از دست ما عصبانی بود.»

Give me a ring tomorrow. «فردا به من زنگ بزن.»

When he comes in, please tell **him** I phoned.

«هر وقت آمد، لطفاً به او بگوئید که من زنگ زدم.»

I'm older than **you**. «من از تو بزرگترم.»

I'm hungry. **ME** too.' (من گرسنه ام، من هم همینطور.)

مفرد	جمع
Me	Us
You	You
Him'Her'It	Them

تفاوت ضمایر فاعلی و مفعولی:

subject		object	
I	I know Ann.	Ann knows me .	me
we	We know Ann.	Ann knows us .	us
you	You know Ann.	Ann knows you .	you
he	He knows Ann.	Ann knows him .	him
she	She knows Ann.	Ann knows her .	her
they	They know Ann.	Ann knows them .	them

Possessive Pronouns & adjective

ضمایر و صفات ملکی



I	→ my	→ mine
we	→ our	→ ours
you	→ your	→ yours
he	→ his	→ his
she	→ her	→ hers
they	→ their	→ theirs

It's my money.	It's mine.
It's our money.	It's ours.
It's your money.	It's yours.
It's his money.	It's his.
It's her money.	It's hers.
It's their money.	It's theirs.

ضمایر ملکی و صفات ملکی نشان میدهند که چه چیزی به چه کسی تعلق دارد. توجه داشته باشید که صفات ملکی همیشه قبل از یک اسم می‌آیند. «به همین دلیل صفت نامیده میشوند:» ولی ضمیر ملکی جانشین صفت ملکی + اسم میشود و میتواند به تنهایی به عنوان فاعل، مفعول و ... قرار بگیرد» به همین دلیل ضمیر نامیده میشود.»

ضمیر فاعلی	I	You	He	She	It	We	They
صفت ملکی	My	Your	His	Her	Its	Our	Their
ضمیر ملکی	Mine	Yours	His	Hers	-	Ours	Theirs

Reflective pronouns**ضمایر انعکاسی**

توجه داشته باشید که در ضمایر انعکاسی عمل به فاعل جمله برمیگردد و در واقع مفعول همان فاعل است:

He cut himself.

«او خودش را زخمی کرد»

You should be ashamed of yourself.

«باید از خودت خجالت بکشی»

ضمایر انعکاسی میتوان برای تأکید روی یک اسم، ضمیر یا عبارت اسمی استفاده کرد که در این حالت بعد از آنها در جمله قرار میگیرند:

I can do it myself.

«من خودم میتوانم این کار را انجام دهم»

We can repair the roof ourselves.

«ما میتوانیم خودمان سقف را تعمیر کنیم»

مفرد		جمع	
خودم	Myself	خودمان	Ourselves
خودت	Yourself	خودتان	Yourselves
خودش(مذکر)	Himself	خودشان	Themselves
خودش(مونث)	Herself		
خودش(اشیا)	Itself		

Imprecise pronouns

ضمایر مبهم

گرچه این ضمایر را ضمایر مبهم نیز مینامیم و به ضمایر مجهول و نیم مجهول نیز میخوانیم.

Some+...

Some body	یک نفر، کس	Some one	یک نفر، کس
Some thing	یک چیز، شیئی	Some where	یک مکان
Some palace	یک مکان، جا		

Every+...

Every body	همه نفر، کس	Every one	همه نفر، کس
Every thing	همه چیز شیئی	Every where	همه جا، مکان
Every palace	همه جا، مکان		

Any+...

Any body	هیچ نفر، کس	Any one	هیچ نفر، کس
Any thing	هیچ چیز شیئی	Any where	هیچ جا، مکان
Any palace	هیچ جا، مکان		

No+...

No body	هیچ نفر، کس	No one	هیچ نفر، کس
No thing	هیچ چیز شیئی	No where	هیچ جا، مکان
No palace	هیچ جا، مکان		

«همه این ضمایر در نقش سوم شخص مفرد اند.»

Other pronouns

دیگر ضمائر

ضمائر اشاره ای: those و this ، that،these

Ex: Is **this** your T-shirt?

ضمائر نسبی و ربطی:

where,which ,that ,who ,whose ,whom ,when

Ex: The school **that** I went to is in the center of the city.

ضمائر پرسشی:

whatever و who ، what, why, where,when

Ex:**What** time is it?

ضمائر دو طرفه:

one another,each other

Ex:They love **each other**.

ضمائر مبهم یا ناشناس:

none, nobody, nothing, someone, somebody,something

No one ، anything ، anybody.anyone

Ex:**Nobody** knew what to do.

Adjective

صفت

صفت ها حالت و چگونگی اسم را بیان میکنند، صفات در زبان فارسی در بعد از اسم قرار میگیرند، اما در زبان انگلیسی قبل از اسم قرار میگیرند.

Beautiful Flower گل زیبا

قوائد اضافه کردن صفت:

1- یک اسم میتواند دو صفت را به خود بگیرد: «یک صفت و مضاف الیه»

My new blue book. «کتاب جدید آبی من»

2- صفت نیز میتواند بعد از اسم بیاید به شرطی که از فعل ربطی استفاده شود: «باید توجه داشت که بعد از فعل های ربطی هرگز قید بکار برده نمیشود».

صفت + to be + اسم

صفت + to get + اسم

صفت + to turn + اسم

3- هیچگاه صفات جمع بکار برده نمیشوند:

My blues book.

4- بعضی از صفات قاعده ساخت صفات را دربر نمیگیرند: «بی قاعده هستند»

صفت مطلق	«صفت برتری» تفضیلی	«صفت برترین» عالی
good	better	The best
bad	worse	The worst
much/many	more	The most

5- چهار نوع صفت اصلی در زبان انگلیسی وجود دارد:

My new car. «صفات مطلق و ساده»

Ali is as tall as Martin. «صفات برابری»

Ali is taller than Martin «صفات تفضیلی»

Ali is the tallest. «صفات عالی»

6- دو ضمیر وصفی اشاره زیر تنها بصورت جمع به کار برده میشود:

This → These

That → Those

Equality Adjective

صفت برابری

صفات برابری: برای مقایسه افراد، مکانها، اشیاء و ...، وقتی که هیچ تفاوتی میان آنها وجود نداشته باشد و از هر لحاظ باهم برابری داشته باشند. از ساختارهای زیر استفاده میکنیم:

as + صفت + as	مثبت:
as + صفت + not as	منفی:
as + صفت + not so	

Martin is almost **as tall as** his brother.

«مارتین تقریباً به بلندی برادرش است»

Our house is **not as expensive as** your house.

«خانه ما به گرانی خانه شما نیست»

1- باید توجه کرد که این ساختار برای تمام صفت های یک، دو، سه و ... بخشی بکار برده میشود.

2- باید همیشه فعل بودن قبل از این ساختار بیاید.

Comparative Adjective

صفت تفضیلی

صفات تفضیلی یا برتری معمولاً بین دو چیز انجام میشود، و برای نشان دادن برتری اولی از دومی بکار گرفته میشود.

«**er+Than**+صفت+اسم یک و دو بخشی»

«**Than**+صفت+**more**+اسم چند بخشی»

نحوه ساخت صفات تفضیلی:

الف- با افزودن **er** و **Than** به انتهای صفات یک و دو بخشی:

old, **older**

easy, **easier**

happy, **happier**

ب- با افزودن **more** به ابتدای صفات سه و... بخشی:

difficult, **more** difficult

interesting, **more** interesting

ج- صفات برتری با «تر» معنی میشوند، بجز صفات یک سیلابی بقیه صفات چند سیلابی **more** میگیرند.

This exam looks **more difficult than** last exam.

«این امتحان از امتحان قبلی سخت تر به نظر میرسد»

My book is **more interesting than** yours.

«کتاب من از کتاب تو جالب تر است»

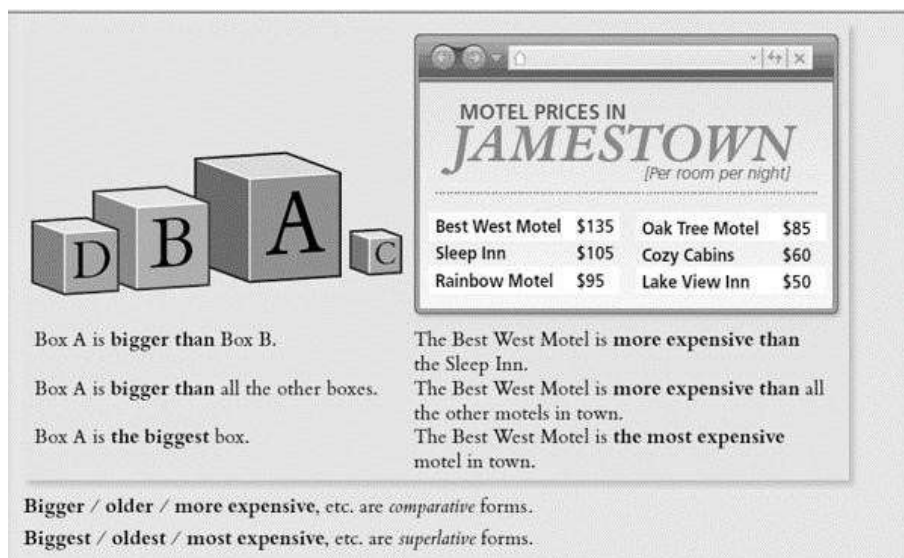
د- باید توجه داشت که صفاتی که دو بخش دارند نیز همانند یک بخشی **er** میگیرند:

Pretty, prettier

Happy, happier

Superlatives Adjective

صفت عالی



Box A is bigger than Box B.

Box A is bigger than all the other boxes.

Box A is the biggest box.

The Best West Motel is more expensive than the Sleep Inn.

The Best West Motel is more expensive than all the other motels in town.

The Best West Motel is the most expensive motel in town.

Bigger / older / more expensive, etc. are *comparative* forms.

Biggest / oldest / most expensive, etc. are *superlative* forms.

Best West Motel	\$135	Oak Tree Motel	\$85
Sleep Inn	\$105	Cozy Cabins	\$60
Rainbow Motel	\$95	Lake View Inn	\$50

برای مقایسه بیش از دو شخص یا دو چیز از صفت عالی استفاده میشود و در معنی کردن «ترین» به معنی اضافه میشود.

«**Est** + صفت + اسم یک و دو بخشی»

«صفت + **The most** + صفت + اسم چند بخشی»

نحوه ساخت صفات عالی:

الف- با افزودن **-est** به انتهای صفات یک و دو سیلابی:

Old , oldest bright, brightest easy, easiest

ب- با افزودن **the most** به ابتدای صفات چند سیلابی:

Difficult , the most difficult

Interesting , the most interesting

Example:

It must be the most expensive car in the world.

«این باید گرانترین اتومبیل جهان باشد»

Adjective Notice

نکات صفات

۱- صفاتی که به **y** ختم میشوند، حتی اگر چند بخشی باشند نیز از همان قواعدی استفاده میکنند که برای صفات یک بخشی بکار میروند، اما باید توجه داشته باشید که در اینصورت موقع اضافه کردن **er** و **est**، **y** به **i** تبدیل میشود:

pretty, prettier, prettiest

happy, happier, happiest

۲- هنگام اضافه کردن **er** یا **est** به انتهای صفات یک هجایی که دارای یک حرف با صدا هستند و به یک حرف بیصدا ختم میشوند (مانند **big**)، حرف بیصدای آخر تکرار میشود:

big, bigger, biggest

sad, sadder, saddest

hot, hotter, hottest

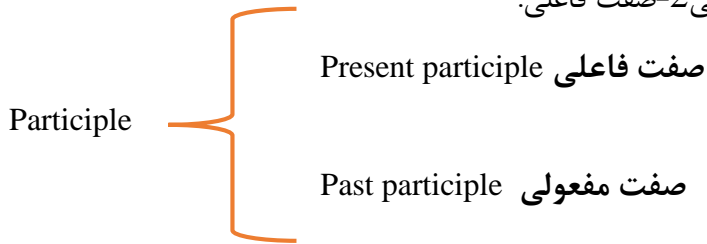
۳- ولی اگر صفاتی دارای بیش از یک حرف صدادار باشند، در این صورت حرف بیصدای آخر آنها تکرار نمیشود: **great, greater, greatest**

۴- صفاتی که به **e** ختم میشوند، هنگام اضافه کردن **er** یا **est**، خود را از دست میدهند: **large, larger, largest - blue, bluer, bluest**

Participle

وجه وصفی

این کلمه به معنی صفت و وجه وصفی است، در انگلیسی دو نوع صفت فعلی وجود دارد. 1- صفت مفعولی 2- صفت فاعلی:



صفت فاعلی: با اضافه کردن **ing** به آخر افعال بدست می آید:

زنده **live** — **living = alive** زندگی کردن

دوان **run** — **running** دویدن

صفت مفعولی: با اضافه کردن **ed** به افعال باقائده و افعال بی قائده شکل خاصی ندارند:

شسته شده **wash** — **washed** شستن

افتاده شده **fall** — **fallen** افتادن

مثال:

Verbs	p.p
Go	Going
Do	Doing
Eat	Eating
Be	Being
Verb	p.p
Watch	watched
live	lived
Go	Gone
Eat	Ate

A/An

حروف تعریف نامعین **a/an** میباشد.

A حرف تعریف نامعین شامل قبل از یک حرف بیصدا بکار میرود:

a car, a man, a bus, a house

AN تنها بعد از حروف صدا دار بکار میرود.

A,I,E,O,U

an apple, an actor, an animal, an old man

نکته:

1- در کلماتی مانند **honest, hour, honor** و... حرف **h** تلفظ نمیشود «غیر

ملفوظ»، بنابراین همراه با آنها حرف تعریف **an** مورد استفاده قرار میگیرد:

an hour, an honorable man

2- کلماتی مانند **useful, unit, university, union, European** و ... با اینکه با

حروف صدادار شروع میشوند، ولی حرف اولیه آنها مانند «**U**» تلفظ میشود.

بنابراین آنها با حرف تعریف **a** مورد استفاده قرار میگیرند:

a university, a useful book

3- **a** یا **an** تنها قبل از اسامی مفرد قابل شمارش میآیند:

a book, a happy girl, a famous actress

4- برای اسامی جمع، بجای **a** یا **an**، یا از **some** استفاده میکنیم و یا اصلاً هیچ

کلمهای را بکار نمیبریم:

**These are all
animals.**

a horse, some horses

5- اسامی که با **one** شروع میشوند، **a** میگیرند:

A one story, A one eyed man.

A/An

موارد کاربرد حروف تعریف نامعین «نکره»:

هنگامیکه برای اولین بار به کسی یا چیزی اشاره میکنیم از **A** استفاده میکنیم. اما وقتی که به همان چیز دوباره اشاره میشود، **The** استفاده میکنیم.

I bought a new shirt yesterday. But my friend thinks the shirt doesn't fit me.

«دیروز یک پیراهن نو خریدم. ولی دوستم میگوید که آن پیراهن اندازه من نیست»

I had a old car. The car was old.so I sold the car.

«من یک ماشین قدیمی داشتم، ماشین قدیمی بود، بنابراین من ماشین را فروختم»

2- وقتی که به یک چیز مفرد اشاره میشود از **a** یا **an** استفاده میکنیم. در این حالت همان معنی **one** یا «یک» را میدهد «در مقایسه با **three** و **two**...»:

I like an peach and four oranges.

Yesterday I bought two pen and a notebook.

A/An

الف. همراه با اسامی شغلها:

She's a doctor.
My father is a police.
Are you an fire fighter?

ب. همراه با ملیتها و مذاهب:

I'm an Iranian.
You are a Chinese.
She is a Catholic.

همراه با اسامی مفرد قابل شمارش و پیش از کلمات: **SUCH&WHAT**

«چه روز زیبایی!» **What a beautiful day!**

«عجب دوست عجیبی داری!» **What a strange friend you have!**

«چه حیف شد!» **Such a pity!**

همراه با تعداد			
A half	یک دوم	A couple	یک جفت
A third	یک سوم	A thousand	هزارتا
An eighth	یک دوجین	A hundred	صدتا
A dozen	یک هشتم	A million	یک میلیون
همراه با مقدار و کمیت			
A few	A lot	A bit	A number
A little	A deal		

«ادامه درس حروف تعریف معین THE در صفحه 94»

Wh question

حروف پرسشی که معمولا دو حرف اول آنها یا دو حرف (Wh) در آنها دیده شود، کلمات پرسشی WH نام دارند. که هشت تا هستند و معمولا در جمله سئوالی از آنها استفاده میشود و در ابتدای جمله قبل از فعل کمکی قرار میگیرند و در جمله خبری بعد از فاعل، فعل کمکی و اصلی قرار و نقش ربط را به خود میگیرند.

انگلیسی	معنی	انگلیسی	معنی
Who	چه کسی	How many	تعداد
What	چه	How much	مقدار
Where	کجا	Whose	مالکیت چه کسی
When	چه موقع	Which	انتخاب، کدام

Example:

Who is he? He is our **teacher**.

What are those? Those are **balls**.

Where are you going? I'm going **to pool**.

When the program start? It's start **at 10 o'clock**.

How many crowd of Iran? It's about **80 millions**.

How much milk in the glasses? About **100 mil.** are in it.

Whose are these books on the table? Those are **Ali's** books.

Which of these question are true in the page? **The first one**.

مشتقات **how & what** در هنگام معنی چه یا چند به کلمات زیر اضافه میشود.

What					
Day	چه روزی	Time	چه وقتی	Color	چه رنگی
Happen	چه اتفاقی	Thing	چه چیز	Kind	چه نوعی
How					
Far	مسافت	Much	مقدار	Old	سال
Often	اغلب	Tall	قد	Fast	سرعت

If clauses 1

جملات شرطی نوع اول

از جملات شرطی نوع اول برای بیان شرط و موقعیتی که نتیجه آن در آینده ممکن است صورت گیرد. بخش اول آن حال ساده و بخش دوم آن نیز آینده ساده است.

«آینده ساده+حال ساده+IF»

Example:

If I find your wallet, I will tell you.

«اگر ساعت شما را پیدا کنم به شما خواهم گفت»

If we leave now, we'll catch the 10.30 train.

«اگر اکنون حرکت کنیم ده و نیم به قطار میرسیم»

If I see her, I'll tell her the news.

«اگر او را ببینم خبرها را به او خواهم گفت»

You'll get wet if you don't take an umbrella.

«اگر چتر نبری خیس خواهی شد»

If	حال ساده	آینده ساده+مصدر بدون to	
If	I study hard	I Will	Pass my exams

If clauses 2

جملات شرطی نوع 2

از جملات شرطی نوع دوم برای بیان یک شرط یا موقعیت غیر واقعی یا غیرممکن و نتیجه محتمل آن در زمان حال یا آینده بکار میرود. در واقع در این نوع جملات حال یا آیندهای متفاوت را تصور میکنیم. و بخش اول آن بصورت گذشته و قسمت دوم آن نیز بصورت آینده ساده نوشته میشود. «زمان آینده در گذشته ساده»

«... + آینده در گذشته ساده + گذشته ساده + IF»

Example:

If he needed any money, I'd lend it to him.

«اگر به پول احتیاج داشت به او قرض میدادم»

If I had more time, I'd help you.

«اگر وقت بیشتری داشتم به شما کمک میکردم»

If I were a rich man, I'd buy an expensive car.

«اگر ثروتمند بودم یک ماشین گرانبه میخریدم»

I wouldn't accept the job (even) if they offered it to me.

«اگر آن کار را به من پیشنهاد میکردند هم قبول نمیکردم»

If I were living in Tehran, we could meet more often.

If	گذشته ساده	آینده در گذشته ساده	مصدر بدون to
If	I had more money, I	would ('d)	buy a new house.
If	you lived in Iran, you	would ('d)	soon learn Persian.

If clauses 3

جملات شرطی نوع 3

از این نوع جملات شرطی برای تصور گذشته‌های غیر ممکن استفاده میشود. در واقع در این نوع جملات، گوینده آرزوی یک گذشته متفاوت را دارد.

«... + آینده در گذشته کامل + گذشته کامل + if»

Example:

If I'd seen you, I would have said hello.

«اگر تو را دیده بودم، سلام میکردم»

If he had driven more carefully, he wouldn't have been injured.

«اگر با دقت بیشتری رانندگی کرده بود، مجروح نمیشد»

If I had known you were in hospital, I would have gone to visit you.

«اگر میدانستم در بیمارستان بستری بودید می‌آمدم و شما را ملاقات میکردم»

I would have gone to see him if I had known that he was ill.

«اگر میدانستم بیمار بود میرفتم و به او سر می‌زدم»

If	گذشته کامل	آینده در گذشته کامل	
If	He had driven more carefully	He would have	Been injured
If	I known you were in hospital	I would have	Gone to visit you

«درس مصدر یا همان فعل مصدری در صفحه 49 است.»

If clauses notice

نکات عبارت های شرطی

1- در شرطی نوع اول **should** به معنی احتمالا است، که میتوانیم **If** را حذف و **should** را به قبل از فاعل اضافه کنیم:

If I should see him, I will tell him.

Should I see him, I will tell him.

2- در شرطی نوع دوم اگر فعل بودن **were** باشد میتوانیم همانند بالا عمل کنیم:

If you were here, I would talk to him.

Were you here, I would talk to him.

3- در شرطی نوع سوم همیشه فعل **had** وجود دارد بنابراین میتوانیم **if** را حذف کنیم:

If I had gone there, I would have seen him.

Had I gone there, I would have seen him.

4- در شرطی نوع دوم نیز **should** به معنی احتمالا است، که میتوانیم **if** را حذف و **should** را به قبل از فاعل اضافه کنیم:

If I should see him now, I would tell him.

Should I see him now, I would tell him.

Passive clauses

عبارات مجهول

در جملات معلوم (active)، فاعل در جمله معلوم است و نشان میدهد که چه کسی کار را انجام داده است:

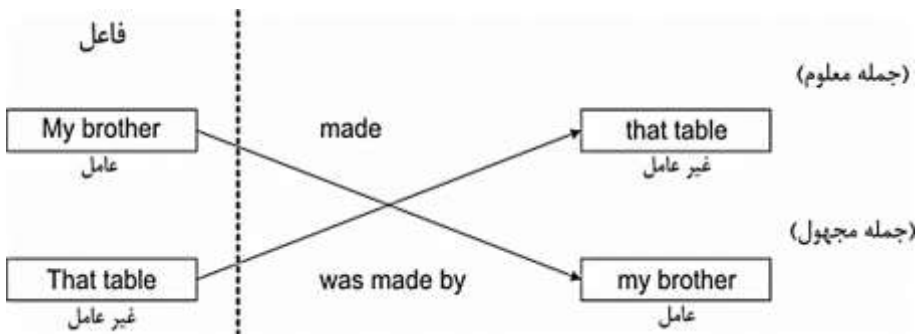
Martin write a letter.

«مارتین یک نامه نوشت.»

ولی جملات مجهول را که کننده یا انجام دهنده عملی نیست «غیر عامل» در جای فاعل قرار دهیم. در واقع از افعال مجهول برای بیان اینکه چه عملی بر روی فاعل اتفاق میافتد و هرگز فاعل و کننده کار در جمله معلوم نیست استفاده میشود: در اصل قاعده ساخت افعال مجهول در جدول زیر آمده است:

« **Had/Had Been/To be+(was 'were)+p.p** : گذشته »

« **Have 'Has/Have 'Has Been/To be+(am'is'are)+p.p** : حال »



ساختار:

Simple past	To be(was/were)+p.p
Past continuous	To be(was/were)+being+p.p
Past perfect	Had+been+p.p
Simple present	To be(am/is/are)+p.p
Present continues	To be(am/is/are)+being+p.p
Present perfect	Have/has+been+p.p

Passive clauses

عبارات مجهول

سئوالی کردن جمله مجهول:

ابتدا جمله را به مجهول خبری تبدیل می کنیم. سپس فعل بودن به ابتدا جمله میاید، اگر جمله هم دارای **wh question** باشد ابتدا از آنها استفاده سپس از افعال بودن استفاده میکنیم:

Did Helen take the book?

تبدیل به جمله خبری مجهول:

The book **was studied** by Helen.

تبدیل به جمله سوالی:

Was the book **studied** by Helen?

جمله سئوالی **wh** :

Where did Helen take the book?

تبدیل به جمله سئوالی بدون **wh**:

Was the book taken by Helen?

تبدیل به سئوالی:

Where was the book taken by Helen?

نکته: اگر **whom** در جمله بود در سئوالی مجهول از **who** استفاده میکنیم:

Whom did Helen invite?

Who was invited by Helen?

نکته: اگر **who** در جمله بود در سئوالی کردن **by** در تبدیل بعد از **whom** در ابتدا جمله قرار میگیرد:

Who saw Helen?

By whom was bob seen?

اگر بیان کنیم چه کسی یا چه چیزی آن عمل را انجام داده است. در این صورت باید از حرف اضافه **by** استفاده کنیم.

The English was thought by MR. Salami.

Passive clauses structure

ساختار عبارات مجهول

<i>Present simple</i>	
<i>active:</i> clean(s)/see(s) etc.	Somebody cleans this room every day.
<i>passive:</i> am/is/are cleaned/seen etc.	This room is cleaned every day.
<ul style="list-style-type: none"> • Many accidents are caused by careless driving. • I'm not often invited to parties. • How is this word pronounced? 	
<i>Past simple</i>	
<i>active:</i> cleaned/saw etc.	Somebody cleaned this room yesterday.
<i>passive:</i> was/were cleaned/seen etc.	This room was cleaned yesterday.
<ul style="list-style-type: none"> • We were woken up by a loud noise during the night. • 'Did you go to the party?' 'No, I wasn't invited.' • How much money was stolen? 	
<i>Infinitive</i>	
<i>active:</i> (to) do/clean/see etc.	Somebody will clean the room later.
<i>passive:</i> (to) be done/cleaned/seen etc.	The room will be cleaned later.
<ul style="list-style-type: none"> • The situation is serious. Something must be done before it's too late. • A mystery is something that can't be explained. • The music was very loud and could be heard from a long way away. • A new supermarket is going to be built next year. • Please go away. I want to be left alone. 	
<i>Perfect infinitive</i>	
<i>active:</i> have done/cleaned/seen etc.	Somebody should have cleaned the room.
<i>passive:</i> have been done/cleaned/seen etc.	The room should have been cleaned.
<ul style="list-style-type: none"> • I haven't received the letter yet. It might have been sent to the wrong address. • If you hadn't left the car unlocked, it wouldn't have been stolen. • There were some problems at first but they seem to have been solved. 	
<i>Present perfect</i>	
<i>active:</i> have/has (done)	The room looks nice. Somebody has cleaned it.
<i>passive:</i> have/has been (done)	The room looks nice. It has been cleaned.
<ul style="list-style-type: none"> • Have you heard the news? The President has been shot! • Have you ever been bitten by a dog? • 'Are you going to the party?' 'No, I haven't been invited.' 	
<i>Past perfect</i>	
<i>active:</i> had (done)	The room looked nice. Somebody had cleaned it.
<i>passive:</i> had been (done)	The room looked nice. It had been cleaned.
<ul style="list-style-type: none"> • The vegetables didn't taste very good. They had been cooked for too long. • The car was three years old but hadn't been used very much. 	
<i>Present continuous</i>	
<i>active:</i> am/is/are (do)ing	Somebody is cleaning the room at the moment.
<i>passive:</i> am/is/are being (done)	The room is being cleaned at the moment.
<ul style="list-style-type: none"> • There's somebody walking behind us. I think we are being followed. • (in a shop) 'Can I help you, madam?' 'No, thank you. I'm being served.' 	
<i>Past continuous</i>	
<i>active:</i> was/were (do)ing	Somebody was cleaning the room when I arrived.
<i>passive:</i> was/were being (done)	The room was being cleaned when I arrived.
<ul style="list-style-type: none"> • There was somebody walking behind us. We were being followed. 	

Passive Verbs

عبارات مجهول

The passive is be (is/was/have been etc.)+the past participle(done etc.)

(be) done (be)cleaned (be) damaged (be)built etc.

Verbs change

تغییر افعال

Am/is ——— was	Do/does ———> did	will ——— would
are ———> were	Have/has ——— had	can ——— could

This house was built in 1930.
 Was built is *passive*. Compare active and passive:
 Somebody built this house in 1930. (*active*)
 subject object
 This house was built in 1930. (*passive*)
 subject

Past & present simple

گذشته و حال ساده

Present simple
 active: clean(s)/see(s) etc. Somebody cleans this room every day.
 passive: am/is/are cleaned/seen etc. This room is cleaned every day.

- Many accidents are caused by careless driving.
- I'm not often invited to parties.
- How is this word pronounced?

Past simple
 active: cleaned/saw etc. Somebody cleaned this room yesterday.
 passive: was/were cleaned/seen etc. This room was cleaned yesterday.

- We were woken up by a loud noise during the night.
- 'Did you go to the party?' 'No, I wasn't invited.'
- How much money was stolen?

Adverbs place

مکان قیدها در عبارات مجهول

1-قید تکرار: از قبل می دانیم که قید تکرار در جمله های معلوم قبل از فعل

He often visit

اصلی جمله به کار می رود:

me.

2-قید حال: از قبل می دانیم که قید حالت در جمله معلوم بعد از مفعول به کار

Helen writes letter slowly.

می رود:

Passive clauses

عبارات مجهول

زمان	معلوم	مجهول
حال ساده	keeps نگه میدارد	is kept نگهداری میشود
حال استمراری	Is keeping دارد نگه میدارد	is being kept در حال نگهداری شدن است
گذشته ساده	kept نگه داشت	was kept نگهداری شد
گذشته استمراری	was keeping داشت نگه میداشت	was being kept در حال نگهداری شدن بود
حال کامل	has kept نگه داشته است	has been kept نگهداری شده است
گذشته کامل	had kept نگه داشته بود	had been kept نگهداری شده بود
آینده	will keep نگه خواهد داشت	will be kept نگهداری خواهد شد
شرطی	would keep نگه میداشت	would be kept نگهداری میشد
شرطی کامل	would have kept نگه داشته بودند	would have been kept نگهداری شده بود
مصدر	to keep نگه داشتن	To be kept نگهداری شدن

«منبع جدول: کتاب آموزش و خودآموز گرامر انگلیسی آکسفورد»

Causative clauses**عبارات سببی**

جملات سببی جملاتی هستند که فاعل باعث شونده انجام کار توسط فاعل دیگری میشود و عموماً برای دادن کار به کسی به کار برده میشود، به عنوان مثال کسی لباسش را به خیاط میدهد که بدوزد. جملات سببی دو نوع دارند معلوم و مجهول:

Active

«مفعول اصلی+فعل ساده+فاعل اصلی+Have+فاعل سببی»

«مفعول اصلی+فعل با مصدر to+فاعل اصلی+Get+فاعل سببی»

How ask

Do you know where I can have someone fix my car?

Do you know where I can get someone to fix my car?

Answer

You can have Martin's personal services fix your car.

You can get a repair shop to fix your car.

Passive

«فاعل مجهول+by+فعل p.p+مفعول اصلی+Get/Have+فاعل سببی»

«فعل p.p+مفعول اصلی+Get/Have+فاعل سببی»

How ask

Do you know where I can have my car fixed?

Do you know where I can get my car fixed?

Answer

You can have your car fixed by Martin's personal services.

You can get your car fixed at a repair shop.

I have my shoes polished.

1- باید توجه کرد که در جملات سببی مجهول برای **get** از مصدر بدون **to** استفاده مینمائیم.

2- در تمامی جملات سببی **have** و **get** مورد استفاده قرار میگیرد و هیچگاه حذف نمیشوند.

Reported speech

نقل قول

نقل یعنی بیان کردن و قول یعنی سخن، پس نقل قول یعنی: بیان کردن سخن کس دیگر. برای بیان کردن سخن یا گفته یک گوینده دو طریق وجود دارد: یک طریق مستقیم و یک طریق غیر مستقیم:

نقل قول مستقیم:

هرگاه بخواهیم سخن کسی را بدون تغییر و تداخل در آن به کسی بازگو کنیم.

- | | |
|--------------------------------------|----------------|
| Martin says, "I live in Sanandaj". | 1- جمله خبری |
| Martin asks, "where do you live?" | 2- جمله سئوالی |
| Martin says, "open the window". | 3- جمله امری |
| Martin says, "what a nice boy he is" | 4- جمله تعجبی |

هم چنین میتوانیم فعل خبری را (say, ask etc.) بعد از جمله قرار داد:

"I live in Sanandaj". Martin says

"Where do you live?" Martin says

نکات:

- 1- در این جملات همیشه از افعال حال استفاده میکنیم.
- 2- همیشه نقل قول مستقیم بصورت بالا نوشته میشود و از فعل گذشته استفاده نمیشود.
- 3- میتوانیم از افعال (tell, say, ask etc.) بجای نقل قول مستقیم استفاده کنیم.
- 4- جملات فقط به چهار نوع خبری/ امری/ تعجبی/ سئوالی نوشته میشوند.

Reported speech

نقل قول

نقل قول غیر مستقیم:

اگر در سخن یا گفته گوینده ای دخل و تصرف شود نقل قول به طریقه غیر مستقیم انجام شده . معمولا یک جمله نقل قول مستقیم توسط قوانین زیر تبدیل به یک نقل قول غیر مستقیم میشود، یعنی در جمله و سخن آن شخص و فرد تداخل و تغییری ایجاد شده است:

جمله خبری: 1- باید از حرف ربط (that) استفاده نمائیم. 2- از فعل خبری گذشته استفاده مینمائیم. (Said/told) 3- تبدیل و به عقب آمدن زمان ها. 4- زمان های گذشته کامل و گذشته کامل استمراری هیچگاه تغییر نمیکند.

Martin said that he lived in Sanandaj.

Martin told Bob that he **knew** his father.

My father told me that he **was listening** to me.

جمله سئوالی: از قوائد ساختن جمله خبری استفاده مینمائیم، به تفاوت اینکه از حروف ربط (Wh) و برای جملاتی که از فعل استفاده شده است از (if, whether) استفاده مینمائیم، که در اینصورت معنی که یا آیا را بخود میگیرند.

Ali said to me, "where do you live?"

Ali asked me **where** I lived.

Ali said to Martin, "do you live in Kurdistan?"

Ali **asked** Martin if he lived in Kurdistan.

جمله امری: همانند قوائد بالا عمل میکنیم، به تفاوت اینکه از (to) برای جملات مثبت و از (not to) برای جملات منفی استفاده مینمائیم.

Helen told Bob **to open** the door.

Helen said to Bob, "**don't open** the door."

Helen told Bob **not to open** the door.

Reported speech

نقل قول

مستقیم: He said, **I am** going to learn English.
غیر مستقیم: He said that **he was** going to learn English.

1- در نقل قول غیر مستقیم خبری **That** را اضافه میکنیم:

I told her (that) I wasn't hungry.

He said (that) he was feeling ill.

2- در نقل قول غیر مستقیم امری **To** را به جمله اضافه میکنیم.

He told us **to** open the door.

3- در نقل قول غیر مستقیم از فعل های گذشته زیر استفاده میشود.

said. asked. told & ...

He **asked** us to learn English.

He **said** that he learn English.

نکته: زمان های آینده باتوجه به جدول زیر این چنین تغییر میکنند:

آینده ساده	→	آینده در گذشته ساده
آینده استمراری	→	آینده در گذشته استمراری
آینده کامل	→	آینده در گذشته کامل
آینده کامل استمراری	→	آینده در گذشته کامل استمراری

Reported speech

نقل قول

جدول تغییرات از نقل قول مستقیم به غیرمستقیم در نقل قول غیرمستقیم، فعل اصلی جمله معمولاً زمان گذشته است و نیز افعال موجود در بقیه جمله هم باید به زمان گذشته تبدیل شوند. این نکته نیز مهم است که نقل قول ها همیشه و هر جا بصورت گذشته بیان میشوند، چون کسی خبری را به ما در زمان گذشته داده است و ما نمیتوانیم آنرا بصورت زمان های حال بیان کنیم. این تغییرات به شرح زیرند:

مستقیم	غیرمستقیم	مثال
حال ساده	گذشته ساده	I love you' he said. = He told her that he loved her.
حال استمراری	گذشته استمراری	I'm talking on the phone' she said = She said that she was talking on the phone.
حال کامل	گذشته کامل	He said, 'The rain has stopped'. = He said that the rain had stopped.
حال کامل استمراری	گذشته کامل استمراری	He said, 'I've been reading for 3 hours.' = He said that he had been reading for 3 hours.
گذشته ساده	گذشته کامل	He said, 'I met him in the theatre.' = He said he had met him in the theatre.
گذشته استمراری	گذشته کامل استمراری	I was driving carefully,' he told the police. = He told the police he had been driving carefully.

«منبع جدول سایت زبان آموزان»

Reported speech

نقل قول

1- اگر در جمله نقل قول مستقیم از گذشته کامل استفاده شده باشد، در جمله نقل قول غیرمستقیم تغییری ایجاد نمیشود:

Tom said, 'when I arrived, she had gone.' → Tom said when he had arrived, she had gone.

2- همیشه مجبور نیستیم که فعل را در جمله نقل قول غیرمستقیم تغییر دهیم. اگر ما چیزی را نقل کنیم که همچنان صحیح میباشد، دیگر نیازی به تغییر فعل (از زمان حال به گذشته) نیست. مثلاً:

'He loves ice-cream,' his mother said. → His mother said that he loves (or loved) ice-cream. (He still loves ice-cream)

افعال کمکی وجهی در نقل قول غیرمستقیم **will, can, may, shall** به **might, would, could, should** تبدیل میشوند. یعنی:

WOULD	COULD	نقل قول غیرمستقیم
MIGHT	SHOULD	
WILL	CAN	نقل قول مستقیم
MAY	SHALL	

Used to و **must** در جملات نقل غیرمستقیم تغییری نمیکنند:

[I told her that I used to smoke twenty a day.]

EX: he told me that I will sell my car.

He told me that he would sell his car.

'I can help you,' he said.

He said he that could you help me.

Reported speech

نقل قول

You want to tell somebody else what Tom said. There are two ways of doing this: You can repeat Tom's words (*direct speech*): Tom said 'I'm feeling ill.' Or you can use *reported speech*: Tom said that he was feeling ill.

Compare:
direct: Tom said 'I am feeling ill.' *In writing we use these to show direct speech.*
reported: Tom said that he was feeling ill.

تغییرات لازم دیگر در نقل قول غیرمستقیم علاوه بر تغییراتی که در افعال صورت میگیرد، در بعضی دیگر از اقسام کلمه، از جمله ضمیر اشاره نیز تغییراتی ایجاد میشود که در جدول زیر بعضی از آنها را میبینید. چند مثال:

- I see him here,' he said.'
 He said that he saw him there.
 He said, 'We'll visit the factory tomorrow.'
 He said that he would visit the factory the next day.

مستقیم	غیرمستقیم
This	That
These	Those
Here	There
Now	Then
Today	that day
Yesterday	the previous day / the day before
Tomorrow	the next day / the following day
next week / year ...	the following week / year ...
last week / year ...	the previous week / year ...

What's noun?

اسم چیست؟

اسمها گسترده‌ترین اقسام کلمات را تشکیل می‌دهند. بطور کلی در زبان انگلیسی میتوان اسمی را در دو دسته طبقه‌بندی کرد: اسمی قابل شمارش و اسمی غیر قابل شمارش.

اسمی قابل شمارش: آن دسته از اسمی هستند که میتوانند شمرده شوند. این بدین معنی است که میتواند بیش از یکی از آنها وجود داشته باشد.
اسمی غیر قابل شمارش: اسمی هستند که قابل شمردن نیستند «مانند **water** یا آب» این اسمی تنها بصورت مفرد بکار میروند و حالت جمع ندارند.

ویژگیهای اسمی قابل شمارش :

- 1- میتوانند به دنبال **an, a** یا **one** بیایند.
- 2- میتوانند به دنبال **these, few, many** و **those** بیایند.
- 3- میتوانند به دنبال یک عدد (مثلاً **two, three** و...) بیایند.

جدول زیر نشان دهنده استفاده هر کدام از واحد شمارش اسم هاست:

قابل شمارش	غیر قابل شمارش
Most	Most
Much	Many
Some	Some
A little	A few
Little	Few

Nouns

اسم

بیشتر اسمها قابل شمارش هستند و میتوانند به صورت جمع درآیند. معمولاً برای اینکه یک اسم مفرد به صورت جمع درآید، یک **s** به انتهای آن اضافه میکنیم:

cat, cats boy, boys face, faces

ولی آن دسته از کلماتی که به (e.ch.x.z) ختم میشوند تبدیل به **es** میشوند:

bus, buses watch, watches brush, brushes box, boxes

در ضمن کلماتی که به **y** ختم میشوند **y** حذف شده تبدیل به **ies** میشوند:

baby, babies try, tries country, countries fly, flies

Avoid Repetition Name

برای جلوگیری از تکرار اسم در زبان انگلیسی باید حرف تعریف و اسم حذف شوند: استفاده از **too** به همراه اعداد:

اسم اصلی	I want buy	A bike
حذف اسم	I want to buy	one, too.

استفاده از **some** به همراه **too** :

اسم اصلی	I like	Some water
حذف اسم	I like	Some, too.

استفاده از **either** به همراه **any** :

اسم اصلی	I don't have	Any changes.
حذف اسم	I don't have	Any, too.

استفاده از **none** به همراه **either** :

اسم اصلی	We have	No class today.
حذف اسم	We have	None, either.





Irregular nouns

اسامی بی قائده

1- بعضی از اسمها را با تغییر حروف صدادار آنها، به حالت جمع در میآوریم:

مفرد	→	جمع	
Man	→	Men	مرد «ها»
Woman	→	Women	زن «ها»
Mouse	→	Mice	موش «ها»
Foot	→	Feet	پا «ها»
Tooth	→	Teeth	دندان «ها»
Goose	→	Geese	غاز «ها»

Some important uncountable nouns

water	air	rice	salt	plastic	money	music	tennis
							
Water			Salt		Money	Music	
<p>You cannot say one/two/three/et.+these things: one water two water Uncountable nouns have only one form</p>							
<p>Money the money my money Some money much money /et.</p>							

Irregular nouns

اسامی بی قاعده

2- بسیاری از اسم‌هایی که F'EF ختم میشوند در جمع به VES تبدیل میشوند.

Calf	→	Calves	گوساله «ها»
Half	→	Halves	نیمه «ها»
Knife	→	Knives	چاقو «ها»
Leaf	→	Leaves	برگ «ها»
Life	→	Lives	جان «ها»
Loaf	→	Loaves	قرص «های» نان
Shelf	→	Shelves	قفسه «ها»
Thief	→	Thieves	دزد «ها»
Wife	→	Wives	همسر «ها»
Wolf	→	Wolves	گرگ «ها»

Irregular nouns

اسامی بی قاعده

3- اسم بعضی از حیوانات در حالت جمع هیچ تغییری نمیکند:

مفرد		جمع	
Deer	آهو	Deer	آهوها
Sheep	گوسفند	Sheep	گوسفندها
Fish	ماهی	Fish	ماهی ها

4- اسامی بعضی ملت ها که با **SS'ESE** است تغییر نمیکند:

a Chinese	یک چینی	→	two Chinese	دو چینی
one Swiss	یک سویسی	→	some Swiss	چند سویسی

5- بسیاری از اسمهایی که ریشه خارجی دارند مثلاً لاتین، فرانسه یا یونانی گاهی حالت جمع خود را حفظ میکنند:

cactus	→	cacti/cactuses
octopus	→	octopi/octopuses
syllabus	→	syllabi/syllabuses
larva	→	larvae
index	→	indices/indexes
analysis	→	analyses
thesis	→	theses

Irregular nouns

اسامی بی قاعده

اسامی مفرد و نیز اسامی جمع دارای یک حالت ملکی میباشند که در آن جمعی که به **s** ختم میشود به آن «آپاستروف» اضافه میشود.

My son's room: اتاق پسر

men's clothes: لباسهای مردانه **your friend's new car**: ماشین جدید

دوستت حالت ملکی را اغلب میتوان به صورت دیگر بیان کرد که در زیر آمده:






My son's room = the room of my son

The car's wheel = the wheel of the car

اما بهتر است آنجا که صحبت از انسان، گروههای انسانی «مانند دولتها، کمیته ها، هیئتها و...»، کشورها، حیوانات و... به میان میآید از همان ساختار استفاده کنیم.

فرمولی برای حفظ کردن: (X's Y= the Y of X)

اسم های زیر همیشه بصورت جمع میاینند، چون جفت و دوتایی هستند:

				
Trousers/jeans Shorts/pants	pajamas	glasses	binoculars	scissors

How Ask Time?

پرسیدن ساعت

پرسیدن ساعت

What time is it?

Where's the time, please? Can you tell me the time, please?

بیان ساعت: راههای مختلفی برای بیان ساعت وجود دارد :

1- استفاده از (past و to)

a quarter to three 2:45

half past two 2:30

وقتی عقربه دقیقه شمار دقیقاً روی 15.30.45 قرار نگیرد در اینصورت از **minute** استفاده میشود.

۲- استفاده از ساختار (hour minutes)

It's 7.30 (seven thirty)

It's 5.25 (five twenty-five)

It's 2.42 (two forty-two)

It's 9.53 (nine fifty-three)

۳- استفاده از (O'clock) وقتی ساعت کامل میشود استفاده میشود.

It's two o'clock

It's four o'clock

It's eight o'clock

It's eleven o'clock

Auxiliary verbs

افعال کمکی

معمولاً قبل از یک فعل دیگر «فعل اصلی» در جمله افعال کمکی قرار میگیرند و کارشان کمک به فعل اصلی جمله در تشکیل عبارات فعلی میباشد. افعال کمکی را میتوان به دو دسته تقسیم نمود: که دسته اول افعال کمکی پر کاربرد ترین و اصلی ترین دسته اند و آنها را افعال مدال (Modal) مینامیم. افعال دسته دوم افعال کمکی وجهی مینامیم که کمتر کاربرد دارند.

To Be 'have' do					افعال کمکی اصلی
shall	Will	May	Can	Must	Used To
should	Would	might	Could	Need	

Modals

can	<ul style="list-style-type: none"> I can go out tonight. (= there is nothing to stop me) I can't go out tonight.
could	<ul style="list-style-type: none"> I could go out tonight. (but I'm not very keen) I couldn't go out last night. (= I wasn't able)
can or may	<ul style="list-style-type: none"> Can } I go out tonight? (= do you allow me to go out?) May }
will/won't	<ul style="list-style-type: none"> I think I'll go out tonight. I promise I won't go out.
would	<ul style="list-style-type: none"> I would go out tonight but I've got too much to do. I promised I wouldn't go out.
shall	<ul style="list-style-type: none"> Shall I go out tonight? (= do you think it is a good idea?)
should or ought to	<ul style="list-style-type: none"> I [should / ought to] go out tonight. (= it would be a good thing to do)
must	<ul style="list-style-type: none"> I must go out tonight. (= it is necessary) I mustn't go out tonight. (= it is necessary that I do not go out)
needn't	<ul style="list-style-type: none"> I needn't go out tonight. (= it is not necessary that I go out)
Compare could have... / would have... etc.:	
could	<ul style="list-style-type: none"> I could have gone out last night but I decided to stay at home.
would	<ul style="list-style-type: none"> I would have gone out last night but I had too much to do.
should or ought to	<ul style="list-style-type: none"> I [should / ought to] have gone out last night. I'm sorry I didn't.
needn't	<ul style="list-style-type: none"> I needn't have gone out last night. (= I went out but it was not necessary)

1- در حالت سوم شخص مفرد «بر خلاف افعال معمولی's» نمیگیرند:

She can play the guitar quite well. (not: She cans ...)

He must work fast. (not: He musts ...)

2- در جملات پرسشی و منفی، از فعل کمکی دیگری استفاده نمیکنند:

What would you do if you won the lottery?

(not: What did you would ...)

3- to بعد از آنها قرار نمیگیرد. «به استسنا used to»:

You should ~~to~~ phone the police immediately.

4- هیچگاه ~~ed~~ یا ~~ing~~ نمیگیرند:

~~Willing, Willed~~

5- هیچگاه با همدیگر به کار برده نمیشوند:

I ~~might could~~ wash the car.

قابلیت های مختلف افعال کمکی

1- برای منفی کردن یک جمله کافی است پس از فعل کمکی، **Not** اضافه کنید و از حالت مخفف آن استفاده کنید:

He will come → he will not (won't) come.

2- برای پرسشی کردن یک جمله، فعل کمکی را قبل از فاعل جمله قرار دهید:

He will come → Will he come?

گاهی میتوان فعل اصلی پس از فعل کمکی را حذف کرد به شرط آنکه معنی آن (با توجه به شرایط) واضح باشد:

'Can she swim?' 'No, she can't.' (= 'she can't swim.')

'I've never been to Iran. Have you?'

3- بعد از افعال کمکی همیشه فعل اصلی به شکل ساده میاید.

What should we do? (Not: what should we doing?)

4- در بعضی جملات از **would** استفاده میشود، چون فعل کمکی است پس فعل آن ساده به کار میرود، پس آن جمله گذشته ساده است نه آینده در گذشته.

کاربرد افعال کمکی در جملات:

موارد استفاده **May/Must** :

برای جملاتی که درستی آنها تقریبی است و امکان درست نبودن را دارا میباشند.

May/Must use

You are looking for Bob. Nobody is sure where he is but you get some suggestions.

Where's Bob?

YOU

He may be in his office. (= perhaps he is in his office)

He might be having lunch. (= perhaps he is having lunch)

Ask Ann. She might know. (= perhaps she knows)

موارد استفاده **Must** در مقابل **can** :

برای جملاتی که حتما امکان اتفاق افتادن و یا اتفاق افتاده باشد استفاده میشود،

can در برابر **must** منفی است.

MUST/CAN USE

My house is very near the motorway.

It must be very noisy.

I/you/he (etc.)	must can't	be (tired / hungry / at work etc.) be (doing / coming / joking etc.) do / go / know / have etc.
I/you/he (etc.)	must can't	have been (asleep / at work etc.) been (doing / working etc.) done / gone / known / had etc.

- The phone rang but I didn't hear it. I must have been asleep.
- I've lost one of my gloves. I must have dropped it somewhere.
- Jane walked past me without speaking. She can't have seen me.
- Tom walked straight into a wall. He can't have been looking where he was going.



- A: What shall we do this evening?
- B: We could go to the cinema.
- It's a nice day. We could go for a walk.
- When you go to New York next month, you could stay with Barbara.
- A: If you need money, why don't you ask Karen?
- B: Yes, I suppose I could.

Offering to do something

- That bag looks heavy. I'll help you with it. (*not* 'I help')

Agreeing to do something

- A: You know that book I lent you. Can I have it back if you've finished with it?
- B: Of course. I'll give it to you this afternoon. (*not* 'I give')

Promising to do something

- Thanks for lending me the money. I'll pay you back on Friday. (*not* 'I pay')
- I won't tell anyone what happened. I promise.

Asking somebody to do something (Will you...?)

- Will you please be quiet? I'm trying to concentrate.
- Will you shut the door, please?

WE USE OF WILL WITH THESE ARE

- | | |
|-----------------|---|
| probably | • I'll probably be home late this evening. |
| I expect | • I haven't seen Carol today. I expect she'll phone this evening. |
| (I'm) sure | • Don't worry about the exam. I'm sure you'll pass. |
| (I) think | • Do you think Sarah will like the present we bought her? |
| (I) don't think | • I don't think the exam will be very difficult. |
| I wonder | • I wonder what will happen. |

I	have	lost	my keys.
She	can't	come	to the party.
The hotel	was	built	ten years ago.
Where	do you	live?	

همیشه بعد از افعال کمکی فعل بصورت ساده میاید.
الفعال بخش اول همگی کمکی هستند.

We use auxiliary verbs with so and neither:

- 'I'm feeling tired.' 'So am I.' (= I'm feeling tired too)
- 'I never read newspapers.' 'Neither do I.' (= I never read newspapers either)
- Sue hasn't got a car and neither has Martin.

Note the word order after so and neither (*verb* before *subject*):

- I passed the exam and so did Tom. (*not* 'so Tom did')

You can use **nor** instead of **neither**:

- 'I can't remember his name.' 'Nor can I.' or 'Neither can I.'

You can also use '...not...either':

- 'I haven't got any money.' 'Neither have I.' or 'Nor have I.' or 'I haven't either.'

You can use an auxiliary verb (without the rest of the sentence) when you don't want to repeat something:

- 'Have you locked the door?' 'Yes, I have.' (= I have *locked the door*)
- George wasn't working but Janet was. (= Janet was *working*)
- She could lend me the money but she **won't**. (= she won't *lend me the money*)
- 'Are you angry with me?' 'Of course I'm not.' (= I'm not *angry*)

Use **do/does/did** for the present and past simple:

- 'Do you like onions?' 'Yes, I **do**.' (= I *like onions*)
- 'Does Mark smoke?' 'He **did** but he **doesn't** any more.'

موارد استفاده: **can/could**

از **could** برای افعال گذشته و زمان گذشته فعل **can** است.
از **can** نیز برای افعال حال استفاده میشود.

We use **could** for general ability. But if we are talking about what happened in a particular situation, we use **was/were able to...or managed to...** (not **could**):

The fire spread through the building quickly but everybody **was able to** escape. Or everybody **managed to** escape. (But not **could** escape)

- They didn't want to come with us at first but we **managed to** persuade them.
- Or we **were able to** persuade them.(but not **could** persuade)

Compare:

- Jack was an excellent tennis player. He **could** beat anybody.

But

- Jack and Alf had a game of tennis yesterday. Alf played well but in the end Jack **managed to** beat him. Or **was able to** beat him.

از **could** مخصوصا با کلمات زیر استفاده میشود:

See hear smell taste feel remember understand

Can + base form (can do/can play/can come, etc.):

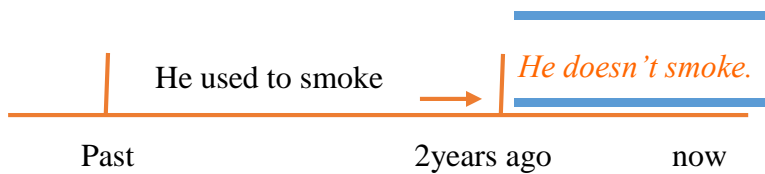
I/we/you/they He/she/it	Can Can't	Do	Can	I/we/you/they He/she/it	Do?
		Play			Play?
		See			See?
		come			Come?

کاربرد **used to**: در معنی سابقا به جمله اضافه میشود و هم چنین نتیجه کاری در گذشته است. که میخواهیم در زمان حال آنرا برای شخصی بازگو کنیم.

Dennis stopped smoking two years ago. He doesn't smoke any more.
But he used to smoke.

He used to smoke a packet a day.

He used to smoke' = he smoked regularly for some times in the past, but he doesn't smoke now. He was a smoker but now he isn't.



Something used to happen = something happened regularly in the past but no longer happens:

- I used to play tennis a lot but I don't play very often now.
- Diane used to travel a lot. These days she doesn't go away so often.
- Do you go to the cinema very often? 'Not now, but I used to.'

We also use used to... for something that was true but is not true anymore:

- This building is now a furniture shop. It used to be a cinema.
- I used to think he was unfriendly but now I realize he's very nice person.
- I've started drinking coffee recently never used to like it before.
- Janet used to have very long hair when she was a child.

Past	he used to smoke	we used to live	there used to be
Present	he smokes	we live	there is

English Sounds

تلفظ S :

پایانه ها «یا پسوندهای» s و ed دو تا از متداولترین پایانه ها در زبان انگلیسی هستند .

قواعد تلفظ آنها تغییر ناپذیر است و برای انواع مختلف کلمات یکسان است.

کاربرد پایانه S:

تلفظ			کاربردها
صدای IZ-	صدای Z-	صدای S-	
voice » voices	day » days	act » acts	اسامی جمع
James » James's	Ann » Ann's	Mark » Mark's	حالت ملکی
teach » teaches	lead » leads	like » likes	افعال سوم شخص مفرد
---	she is » she's	it is » it's	حالت مخفف has و is

نمونه تلفظ S

۱- پس از حروف (g.s.z.ch.sh) پایانه صدای /IZ/ میدهد.
watches.garages.washes

۲- پس از حروف (m.n.b.d.r.l.c.v) پایانه صدای /Z/ میدهد.

۳- پس از حروف (p.t.k.f) پایانه صدای /s/ میدهد.

English Sounds

اصوات انگلیسی

کاربرد پایانه ED

برای ساختن زمان گذشته ساده و نیز قسمت سوم افعال با قاعده به کار میرود:

تلفظ			کاربرد
صدای t-	صدای d-	صدای Id-	
work » worked help » helped	fill » filled need » needed	need » needed want » wanted	حالت‌های گذشته افعال

نمونه تلفظ ED

- 1- پس از حروف (t) و (d) پایانه ed صدای (Id) میدهد: landed-started
- 2- پس از حروف صدا دار (a.i.e.o.u) و نیز حروف (z/y/x/w/v/u/r/q/m/n/l/k/h) صدای /-d/ میدهد. (b/c/f/g)
- 3- پس از حروف (ch.s.p.k.f.sh.gh.th) صدای /t/ میدهد: washed.wached

Stress in English

استرس در انگلیسی

در بیشتر دیکشنریها برای نشان دادن استرس از علامت ' استفاده میکنند. گاهی هم از حروف بزرگ استفاده میشود. هر کلمه انگلیسی که دارای دو یا چند سیلاب باشد، حتماً دارای یک سیلاب استرس دار نیز میباشد:

yel'low (= YEL + low)

sham'poo (= sham + POO)

com'puter (= com + PU + ter)

تغییر استرس کلمات:

بسیاری از کلمات در زبان انگلیسی به دو صورت اسم و فعل «هر دو» به کار میروند. تلفظ بسیاری از این نوع کلمات، چه به صورت اسم به کار روند و چه به صورت فعل همیشه یکسان است. مثلاً در کلمه **sur'prise** که هم به معنی «غافلگیری» و هم به دوم معنی «غافلگیر کردن» میباشد، استرس همواره روی سیلاب دوم است. اما بعضی از این کلمات دو حالتی، اسم و فعل هر کدام از لحاظ محل قرار گیری استرس تلفظی متفاوت دارند.

قوانین استرس:

1. کلمه تنها یک تکیه (Stress) دارد. یک کلمه نمی تواند دو تکیه داشته باشد. اگر شما دو تکیه بشنوید، شما دو کلمه می شنوید. دو تکیه نمی توانند یک کلمه باشند. این حقیقت دارد که تکیه دوم می تواند در بعضی کلمه ها وجود داشته باشند. اما تکیه دوم خیلی کوچکتر از تکیه «اول» اصلی است و تنها در کلمات طولانی بکار می رود.
2. ما تنها می توانیم مصوت ها را با تکیه یا **Stress** ادا کنیم، نه صامت ها.

«منبع قوانین 1 و 2: ریانا آیلتس سنتر»

Relative clauses

عبارت ربطی

عبارت های ربطی توسط ضمائر ربطی به هم پیوند داده میشوند، جملاتی که بعد از ضمائر ربطی قرار میگیرد جمله وصفی گویند. برای ربط دو جمله از «که» استفاده میکنیم، که در انگلیسی برای شخص و اشیا و... متفاوت است.

1- برای ربط جمله ای که فاعل و اسم شخص دارد از **who** استفاده میکنیم:

That boy That boy ride bike.

... That boy **who** ride bike

2- برای ربط جمله ای که مفعول و اسم شخص دارد از **whom** استفاده میکنیم:

That boy I know that boy.

... That boy **whom** I know

3- برای ربط جمله ای که شیء، مفعول و فاعل دارد از **which** استفاده مینمائیم:

That bus that bus cross of here every day.

... That bus **which** cross of here every day.

4- برای ربط جمله ای که اسم مکان است از **where** استفاده میکنیم:

The house. They live in it.

The house **where** they live (این).

5- برای ربط جمله ای که اسم زمان است از **when** استفاده میکنیم:

The year. I was born in the year.

The year **when** I was born.

6- برای ربط جمله ای که صفت ملکی دارد از **whose** استفاده میکنیم:

The man his wife works with me.

... The man **whose** wife works with me.

7- اگر قبل بعد از صفت ملکی بود در ربط به قبل از **whose** میروند.

8- در صورتی که **the thing** قبل از **which** باشد، در ربط از **what** استفاده میکنیم.

9- باید دقت کرد که برای جایگزینی ربط باید به ابتدا جمله دقت کرد و در ربط

نیز با توجه به ابتدای جمله از موارد بالا استفاده میکنیم.

Relative clauses

عبارت ربطی

موارد جایگزینی ضمائر موصولی:

ضمائر موصولی **who/which/whom** میتوانند با **that** جایگزین شوند:

The man who works here is my uncle.

That

The man whom you saw yesterday wants you.

That

The house which is on the corner is mine.

That

The house which you bought is too expensive.

That

موارد حذف ضمائر موصولی:

میتوان ضمائر **whom** و **which** را حذف کرد. «به شرط مفعولی بودن»:

The man ~~which~~ you saw yesterday wants you.

The house ~~which~~ you bought is too expensive.

جملات ربطی ضروری:

در این جملات کسی توقع دارد که در مورد کسی که درباره آن سخن میگوئیم سخنی بشنود. برای مثال:

A writer is a person.

پس باید در مورد نویسنده سخنی بگوئیم چون ناتمام میماند و مفهوم جمله معلوم نیست:

A writer is a person who writes Books.

جملات ربطی غیر ضروری: جملاتی هستند که وجودشان صد در صد ضروری نیست بلکه فقط برای دادن اطلاعات اضافی در مورد اسم بکار می رود:

Hafez is a great poet.

برای مثال جمله زیر غیر ضروری است نشانه غیر ضروری ؟ است:

Hafez who lives in Shiraz, is a great poet.

Wish sentences

جملات آرزویی

1- از **wish** به همراه زمان گذشته ساده (**Simple Past**) استفاده می کنیم تا آرزو کنیم وضعیتی در زمان حال یا آینده متفاوت باشد یا کار دیگری صورت بگیرد.

I wish I spoke Italian. (I don't speak Italian.)

I wish I had a big car. (I don't have a big car.)

I wish I was on a beach. (I'm in the office.)

Future: I wish it was the weekend tomorrow. (It's only Thursday tomorrow.)

نکته: در زبان انگلیسی رسمی ، در جملاتی مانند مثال سوم و چهارم فوق ، به جای **was** از **were** استفاده می شود ، اما در مکالمات روزمره معمولاً **was** به کار می رود.

2- هم چنین میتوانیم از **wish** در زمان گذشته استمراری استفاده کنیم تا آرزو کنیم عملی در زمان آینده انجام شود.

I wish I was lying on a beach now. (I'm sitting in the office.)

I wish it wasn't raining. (It is raining.)

Future: I wish you weren't leaving tomorrow. (You are leaving tomorrow.)

Wish sentences

جملات آرزویی

آرزو درباره گذشته

«I+wish+...+past perfect+...»

از wish به همراه زمان ماضی بعید (Past Perfect) استفاده می کنیم تا از انجام عملی در گذشته ابراز ندامت یا پشیمانی کنیم یا آرزو کنیم وضعیت در گذشته طور دیگری بود یا کاری به گونه دیگری انجام می شد.

I wish I hadn't eaten so much. (I ate a lot.)

I wish they'd come on holiday with us. (They didn't come on holiday with us.)

I wish I had studied harder at school. (I was lazy at school.)

آرزو درباره آینده

«I+wish+...+would+...»

از wish به همراه would و مصدر بدون to برای بیان بی حوصلگی ، رنجش یا نارضایتی از عملی در زمان حال استفاده می کنیم.

I wish you would stop smoking. (You are smoking at the moment and it is annoying me.)

I wish it would stop raining. (I'm impatient because it is raining and I want to go outside.)

I wish she'd be quiet. (I am annoyed because she is speaking.)

Wish sentences

جملات آرزویی

1- هر گاه که می خواهید عملی در آینده اتفاق بیافتد یا وضعیتی به گونه خاصی باشد. «یعنی آرزو نمی کنید عمل یا وضعیتی در آینده متفاوت باشد و یا از عملی رنجیده خاطر نیستید» باید از **Hope** بجای **Wish** استفاده کنیم.

I hope its sunny tomorrow.

I wish it was sunny tomorrow.) جمله غلط)

I hope she passes her exam next week.

I wish she were passing her exam next week.) جمله غلط)

I hope the plane doesn't crash tomorrow.

I wish the plane wouldn't crash tomorrow.) جمله غلط)

2- در انگلیسی محاوره ای اگر قبل از مصدر **wish** بیاید، به معنای خواستن است نه آرزو کردن.

I wish to leave now

I wish to speak to your supervisor please

I do not wish my name to appear on the list. Object

3- **wish** گاه در اصطلاحاتی مانند مثال های زیر به کار می رود:

I wish you a good happy birthday.

We wish you good luck in your new job.

Prefer به معنی ترجیح دادن است و یک فعل اصلی است. **Rather** نیز به معنی ترجیح دادن است و یک اسم است.

Would rather/prefer

ترجیح دادن

کاربرد مختلف **rather, prefer** :

1- بعد از **prefer** مصدر با **to** ولی بعد از **rather** مصدر بدون **to** میاید.

« مصدر با **to+prefer+فاعل** »

I prefer to stay there.

«مصدر بدون **to+would rather+فاعل**»

I would rather stay there.

2- میتوانیم برای ترجیح دادن یک کار بر کار دیگری هم از **rather, prefer** استفاده کنیم:

« مصدر با **to+ rather than + مصدر با to + Prefer + فاعل** »

I prefer to go rather than to stay.

«مصدر بدون **to + than + مصدر بدون to+ would rather + فاعل**»

I would rather go than stay.

3- اگر ترجیح و انتخاب دو اسم یا شیئی باشد معمولاً از **prefer** استفاده میکنیم:

اسم مصدر / اسم + **to + اسم مصدر / اسم + prefer + فاعل** «

I prefer walking to staying.

4- اگر فاعل کاری در گذشته را ترجیح دهد اینطور بیان میکنیم:

« مصدر با **to+ Preferred + فاعل** »

I preferred to go.

«**would rather + have P.P** + فاعل»

I would rather have gone.

5- میتوانیم کاری را برای کس دیگری نیز ترجیح دهیم:

« مصدر با **to + مفعول + prefer + فاعل** »

I prefer him to go.

« گذشته ساده + فاعل + **would rather** + فاعل»

I would rather him went.

What's adverb?

قید چیست؟

از قیدها برای اضافه کردن اطلاعاتی به یک عبارت استفاده میشود. همچنین قیدها میتوانند به یک کلمه دیگر از جمله به یک صفت یا قید دیگر نیز اطلاعاتی اضافه کنند که معرف نامیده میشوند.

1- قید حالت 2- قید مکان 3- قید زمان 4- قید مقدار 5- قید تکرار

Condition Adverb

قید حالت

منظور از قید حالت یعنی کار به چه شیوه ای انجام شده است، یعنی اینکه من کاری را انجام داده ام ولی به چه شیوه؟؟؟: 1- به خوبی 2- سریع 3- به آرامی 4- به سختی 5- به سرعت 6- با عصبانیت و... که هرکدام از اینها در زبان فارسی نیز کاربرد دارند و مورد استفاده قرار میگیرند، این قیود چگونگی انجام کاری را می رساند و اغلب به **ly** ختم می شوند که اغلب این قیود بعد از فعل می آیند ولی اگر فعل دارای مفعول باشد بعد از مفعول قرار می گیرد. قیدهای حالت، در حالت تاکید اگر یک کلمه باشند مستقیماً بعد از فاعل می آیند. که در انگلیسی این چنین اند:

Well, quickly, slowly, hard, fast, angrily,

The runner run fast.

«دویده میدود. به سرعت»

Snails crawl very slowly.

«حلزون ها میخزند، به آرامی»

He speaks quietly.

«او حرف میزند. به آرامی»

Place/time/much/repeat/sequence Adverb

قید مکان/زمان/مقدار/تکرار/ترتیبی

1- قید مکان: برای بیان مکان شخص یا هر چیز دیگری استفاده میشود.

up, down, there, here, above, below, near, ...

How long have you been waiting here?

«تو چه مدتی اینجا منتظری؟»

2- قید زمان: برای زمان انجام کار استفاده میشود.

today, yet, still, recently, soon, now, then, ...

I don't see him yet.

«من او را تا بحال ندیده ام.»

3- قید مقدار: برای اندازه گیری استفاده میشود.

very, too, so, quite, much, rather, ...

He is very tall.

«او خیلی بلند است.»

4- قید تکرار:

twice, sometimes, often, always, never, ...

قید های تکرار میتوانند قبل از فعل اصلی و بعد از افعال **to be** بیان می شوند. برای کارهایی که چندبار انجام میشوند استفاده میگردد و هم چنین با زمان حال ساده استفاده میشود.

Sometimes I write to him.

«گاهی به او نامه مینویسم.»

5- قید های ترتیبی:

قید هایی هستند که برای انجام کار به ترتیب استفاده میشوند. نوشته زیر طرز تهیه ساندویچ کره بادام زمینی است:

First mix the peanut butter and banana together. Then toast the slices of bread. Next spread the mixture on the toast. After that put the sandwich in a pan with butter Finally fry the sandwich until its brown on both sides.

«منبع قید ترتیبی کتاب 2 Interchange صفحه 22»

Adverb Palace

جای قیدها

جای قیدها

سه جا یا مکان اصلی برای قیدها وجود دارد:

1- در ابتدای عبارت «قبل از فاعل»: ابتدایی

قید	فاعل	عبارت فعلی	+ ...
Sometimes	she	arrives	late.

2- در میانه جمله «میانی»

2-الف) بعد از اولین فعل معین:

فاعل	اولین فعل معین	قید	بقیه عبارت فعلی	+ ...
She	has	always	arrived	late.

2-ب) پس از فعل BE یا بودن:

فاعل	BE	قید	+ ...
She	is	always	late.

2-ج) اگر فعل معینی وجود ندارد، قبل از فعل مسندی «قابل صرف»:

فاعل	قید	فعل مسندی	+ ...
She	sometimes	arrives	late

3- در انتهای عبارت «پایانی»: «قید زمان+قید مکان+قید حالت+مفعول+فعل+فاعل»

فاعل	عبارت فعلی	+...	قید
She	arrives	late	Sometimes

Adverb Structure

ساختار قید

از لحاظ فرم و ساختار میتوان قیدها را به سه دسته طبقه بندی کرد:

1- قیدهایی که با اضافه کردن **ly** به یک صفت ساخته میشوند، مانند:

brave → bravely quick → quickly slow → slowly

2- قیدهایی که همان ساختار صفات را دارا هستند، یعنی هم میتوانند به صورت

قید به کار روند و هم به صورت صفت. برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

**just, well, right, far, forward, early, hard, straight, pretty, little,
fast, late, left, backward, deep, direct, near, wrong**

3- قیودی که اصلاً ارتباطی با صفات ندارند. مانند:

so, now, very, there, here, too, as, quite

چند نکته املائی

بعضی قیدها از ساختار اضافه کردن **y** بهره نمیبرند:

1- **y** در انتهای کلمه به **i** تبدیل میشود:

gay → gaily

2- **e** در انتهای کلمه همچنان باقی میماند:

strange → strangely

ولی چند استثنا وجود دارد:

due → duly whole → wholly true → truly

3- در صفاتی که به **able** یا **ible** ختم میشوند، **e** در انتهای کلمه حذف میشود

و **y** جای آن را میگیرد: **probable → probably possible → possibly**

4- صفاتی که به یک حرف با صدا و یک **L** ختم میشوند، طبق روش معمول

ly میگیرند.

Tag questions

ضمایم پرسشی

ضمایم پرسشی پرسشهای کوتاهی هستند که به انتهای یک جمله «در انگلیسی محاورهای» افزوده میشوند. به جملات زیر دقت کنید:

You are a teacher, aren't you? «شما یک معلم هستید، اینطور نیست؟»

Farhad works hard, doesn't he? «فرهاد سخت کار میکند، اینطور نیست؟»

aren't you و doesn't he در مثالهای بالا ضمایم پرسشی هستند.

He plays the guitar, doesn't he?

You sold your car, didn't you?

قواعد ساختن ضمایم پرسشی

برای ساخت ضمایم پرسشی از **do, does, did, to be, have, Has** با توجه به زمان استفاده میشود.

1- در ضمیمه پرسشی فعل کمکی + ضمیر فاعلی استفاده میشود.

جمله اصلی	ضمیمه پرسشی	
Tom is a student	<u>isn't</u>	<u>he?</u>
	فعل کمکی	ضمیر فاعلی

2- ضمیر فاعلی آن با فاعل جمله اصلی باید مطابقت میکند:

Jim plays football, doesn't he?

The students will be arriving soon, won't they?

3- فعل کمکی آن با فعل کمکی جمله اصلی مطابقت میکند، با این تفاوت که:

الف- اگر جمله اصلی مثبت باشد، «ضمیمه پرسشی» منفی و اگر جمله اصلی منفی باشد «ضمیمه پرسشی» مثبت خواهد بود.

It wasn't an interesting film, was it?

They will finish their job, won't they?

اگر هیچ نوع فعل کمکی در جمله اصلی وجود نداشته باشد، از **do, does, did** با توجه به زمان آن استفاده میکنیم.

He plays the piano, doesn't he?

You looked well today, didn't you?

Tag questions

ضمایم پرسشی

<p><i>positive sentence</i> + <i>negative tag</i> Mary will be here soon, won't she? There was a lot of traffic, wasn't there? Jim should pass the exam, shouldn't he?</p>	<p><i>negative sentence</i> + <i>positive tag</i> Mary won't be late, will she? They don't like us, do they? You haven't got a car, have you?</p>
--	--

<p>Tom will → will Tom? you have → have you? I can → can I? the house was → was the house?</p>	<ul style="list-style-type: none"> • Will Tom be here tomorrow? • Have you been working hard? • What can I do? (<i>not</i> 'What I can do?') • When was the house built?
---	--

In *present simple* questions, we use **do/does**:

<p>you live → do you live? the film begins → does the film begin?</p>	<ul style="list-style-type: none"> • Do you live near here? • What time does the film begin?
--	--

In *past simple* questions, we use **did**:

<p>you sold → did you sell? the accident happened → did the accident happen?</p>	<ul style="list-style-type: none"> • Did you sell your car? • How did the accident happen?
---	--

نکته: اگر در ضمیمه پرسشی **I** بیاید، چون **I am** مخفف منفی ندارد، باید از **aren't I** یا **am not I** استفاده کنیم.

2- جملاتی که با **let's** شروع میشوند، باید از **shall** استفاده شود:

Let's go to tell him everything, shall we?

Let's study together, shall we?

3- برای جملات امری از موارد زیر استفاده میشود:

(Will you- would you- can you- could you)

Do me a favor, **will** you?

Come and see us, **will** you?

Don't be so stingy, **will** you?

THE

حروف تعریف معین the میباشند که همواره پیش از اسامی مفرد و جمع، یا پیش از اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش بکار میروند و برای چیز و شیئی که مشخص است و میدانیم در مورد چه چیزی صحبت میکنیم: در جدول زیر به تفاوت a/the دقت کنید:

	قابل شمارش مفرد	قابل شمارش جمع	غیر قابل شمارش
معین	the boy	the boys	the water
نامعین	a boy	boys	water

موارد کاربرد حرف تعریف معین (The)

1- وقتی که قبلاً به چیزی اشاره کرده باشیم:

We saw a strange bird at the zoo. The bird was blue!

«پرنده عجیبی در باغ وحش دیدیم. آن پرنده آبی بود!»

2- وقتی که هم گوینده و هم شنونده میدانند که درباره چه صحبت میشود، حتی اگر قبلاً به آن اشاره‌های نشده باشد:

Where's the dog? 'It's in the garden. «سگ کجاست؟ در باغچه است.»

3- وقتی که به چیزهایی اشاره میکنیم که میدانیم تنها یکی از آن وجود دارد:

the Sun, the Earth, the Moon, the sky, the stars, the sea

4- قبل از اسمی که به واسطه کلماتی که بعد از آن می‌آیند شناخته میشود:

The man sitting over there is my husband.

«مردی که آنجا نشسته است شوهر من است.»

The hotel where I stayed was excellent.

«هتلی که در آن اقامت داشتم عالی بود.»

THE

5- قبل از صفات «ساده، مطلق، تفضیلی و عالی» اعداد ترتیبی:

The highest mountain, the first time, the last chapter, the same color, the only child

6- همراه با صفات برای اشاره به یک گروه یا طبقه از مردم:

the young/ the old/ the poor/ the unemployed

7- به همراه برخی از اسامی جغرافیایی مانند رشته کوهها، جزایر، دریاها، اوقیانوسها، رودخانه ها ...

the Alborzs	رشته کوههای البرز
the Indian Ocean	اوقیانوس هند
the Persian Gulf	خلیج فارس
the Qeshm Island	جزیره قشم
the Caspian Sea	دریای خزر
the Hormuz Strait	تنگه هرمز
the (River) Karun	رودخانه کارون
the Sahara (Desert)	صحرای آفریقا

7- به همراه کتابهای مذهبی:

The Koran - The Bible انجیل - قرآن

8- به همراه جهت های جغرافیایی:

The north شمال The west مغرب The south جنوب The east مشرق

9- قبل از کلمه same همانند:

Your shirt is the same color as mine.

12- همراه با کلمات زیر نیز از the استفاده میکنیم:

Go to = we never go to the cinema.

Radio = I sometimes listen to the radio.

THE

موارد استفاده نکردن از **The**:

1- به همراه اسم افراد **Ann, James, Brian Jackson** ولی از آنجایی که اسم افراد بصورت جمع میاد **the** مینویسیم:

Johns= خانواده جان **Smiths**= اسمیت

2- قبل از اسم مکانها، البته به جز مواردی که در بالا به آنها اشاره شد:

Asia, Africa, Europe, North America	قارهها
Brazil, Japan, Pakistan, Iran	کشورها
Sicily, Bermuda, Kish	جزیرهها
London, Tehran, Cairo	شهرها
Everest, Alborz, Kilimanjaro	کوهها

نکته: برای ایالت ها و متحده ها و جمهوری ها و... از **the** استفاده میکنیم:

The United states of America/The Islamic Republic of Iran

3- به همراه اسم زبانها:

Persian, English, Kurdish, Arabic

4- به همراه اسم وعدههای غذایی مانند صبحانه و...:

Breakfast, Dinner, Lunch

5- در مورد جاهایی مانند مکانهای زیر:

school. mosque. hospital. court. stadium. work. sea.coast

6- در مورد جاهایی که منظور ما کلی است **The** استفاده نمیشود:

I go to school by bus.

من با اتوبوس به مدرسه میروم. مدرسه بطور کلی است و جای آن شناخته نشده است. «اسم عام است».

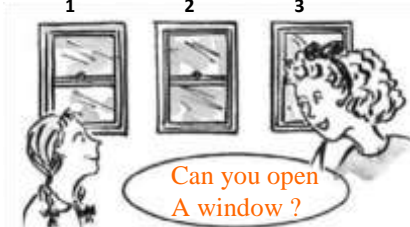

7- بعد از **made of** نیز هیچ حرف تعریف بکار برده نمیشود.

8- برای جایگزین های مودبانه نمیتوان از **the** استفاده کرد:

Mr.Najafi/Mrs.Javaheri/Sr.Johnson

The

در جدول زیر به تفاوت **A** و **The** دقت کنید:

A/An	The
 <p>There are <i>three</i> windows here.</p>	 <p>There is only <i>one</i> window here</p>
<ul style="list-style-type: none"> • I've got a car. (there are many cars and I've got one) • Can I ask a question? (there are many questions – can I ask one?) • Is there a hotel near here? (there are many hotels – is there one near here?) <p>Paris is an interesting city. (there are many interesting cities and Paris is one)</p>	<ul style="list-style-type: none"> • I'm going to clean the car tomorrow. (= my car) • Can you repeat the question, please? (= the question that you asked) • We enjoyed our holiday. The hotel was very nice. (= our hotel) • Paris is the capital of France. (there is only one capital of France)

Gerund & Infinitive

اسم مصدر و مصدر

اسم مصدر اسمی است که از فعل مشتق شده است و ساختمان آن به این صورت است که به آخر فعل **ing** اضافه میکنیم. مصدر همان افعال هستند، که بعد از فعل کمکی تبدیل به مصدر میشوند، هم چنین بعضی جمله ها وجود دارد که دو فعلی هستند، فعل اول فعل اصلی و فعل دوم مصدر میباشد، در گاهی اوقات بدون **To** و در بعضی اوقات همراه با **To** میآید، پس مصدر همان فعل است:

زندگی کردن	Live	Living	زندگی
بودن	Be	being	بود، هست
He	want	buy	a bike.
فاعل	فعل اصلی	مصدر بدون to	اسم

کاربرد اسم مصدر در زبان انگلیسی:

۱- هر گاه لازم شود بعد از حرف اضافه فعل به کار رود باید اسم مصدر باشد و از مصدر با **to** استفاده نمیشود. «زیرا حرف اضافه همیشه قبل از اسم است.»

After locking the door, I left home.

She is afraid of telling lies.

۲- هر گاه لازم شود جمله ای با مصدر شروع شود چون نمی توان مصدر با **to** به عنوان فاعل جمله بکاربرد بنابراین از اسم مصدر استفاده میکنیم.

To swim here is enjoyable.

Swimming here is enjoyable.

۳- بعد از افعال مشخص در انگلیسی اگر فعل به کار رود باید تبدیل به اسم مصدر شود:

Avoid	خود داری	Defer	لغو کردن
Appreciate	تحسین کردن	Admit	پذیرفتن
Discuss	بحث کردن	Advise	نصیحت کردن
Consider	بررسی کردن	Detest	تنفر داشتن
Can't help	چاره نداشتن	Enjoy	لذت بردن

Not&Any

هیچ

1 – any به معنای «هیچ مقدار – هیچ تعداد» در جملات منفی یا سؤالی انگلیسی به کار می رود. «کاربرد any در حالت منفی»

«من هیچ دوستی در این شهر ندارم.» **I have not any friends in this city**

2 – no به معنای «هیچ مقدار – هیچ تعداد» در جملات مثبت بر سر اسم می آید و حالت منفی به جمله می دهد.

I have no friends in this city. من هیچ دوستی در این شهر ندارم.

کاربرد no در جمله مثبت

3 – همانطور که ملاحظه می کنید any , no معنای یکسانی در این درس دارند . هر دو any , no بر سر اسم می آیند.

من امروز هیچ پولی ندارم. **I haven't any money today**

من امروز هیچ پولی ندارم. **I have no money today**

4 – any , no هم بر سر اسامی قابل شمارش می آیند و هم بر سر اسامی غیرقابل شمارش می آیند.

من امروز هیچ پولی ندارم. **I haven't any money today**

من امروز هیچ پولی ندارم. **I have no money today**

Affair & Injunction Verbs

افعال امر ونهی

برای ساختن جملات امر و نهی باید فعل اصلی را داشته باشیم، و هم چنین باید برای ساختن جملات فاعل را حذف می کنیم:

You open the book.

You clean the blackboard.

امر:

Open the book. کتاب را باز کن.

Clean the blackboard. تابلو را پاک کن.

نهی:

در این حالت فعل کمکی منفی **don't** را قبل از فعل اصلی می آوریم. و فاعل نیز هم چنان حذف می گردد.

Don't Open the book. کتاب را باز نکن.

Don't Clean the blackboard. تابلو را پاک نکن.

حالت مؤدبانه:

برای احترام گذاشتن می توانیم «لطفا» **please** را در ابتدا یا انتهای جمله قرار دهیم.

Please look at the map. Look at the map, please. Don't sit on the desk, please

Nouns Alternative

جایگزین های اسم

Miss برای دخترانی که قطعاً مجرد هستند یا ملکه زیبایی استفاده می شود.

Mrs. برای زنانی که قطعاً متاهل هستند.

MS مجرد یا متاهل بودن زن معلوم نیست.

Mr. برای آقایان است و فقط بانام خانوادگی به کار میرود.

Sir برای مردانی که کارهای بزرگ انجام داده اند.

Some Notice Grammar

چند نکته گرامری

1- کلمه **in** برای مکان های بزرگ مثلا: کشورها، قاره ها، شهرها و... از **at** برای مکان ها و جاهای کوچک استفاده میشود.

He lives in England

He lives at a small town

حرف اضافه **at** برای آدرس خیابانی که دقیقا نام و شماره خانه ذکر شده باشد:

She lives at 18 Bahar street

اما اگر ذکر نشده باشد از **on** استفاده میکنیم:

I live on Shahrivar street

2- بعد از ضمایر مبهم فعل به صورت مفرد بکار میرود:

Everyone was sad. همه ناراحت بودند.

3- برای نوشتن موارد زیر در انگلیسی در هر کجای جمله که باشد حرف اول آنها را به صورت بزرگ مینویسیم، چون با بقیه موارد تفاوت دارد: 1- قاره ها 2- دریاها 3- اقیانوس ها 4- کشورها 5- شهرها 6- نام اشخاص و... تمامی مکان های مهم یا نام های اشخاص باید حرف اولشان بصورت بزرگ نوشته شود.

4- حرف اول شخص مفرد اگر در هر مکان از جمله بیاید بصورت بزرگ نوشته میشود:

He saw me & I said hi.

5- کلمه **Hi** برای سلام کردن است ولی بیشتر برای دوستان و کسانی که رابطه نزدیک با آنها داریم استفاده میشود.

6- بعد از فعل **Let** مصدر بدون **to** میاید. «در جملات نقل مستقیم این چنین است ولی در جملات غیر مستقیم مصدر با **TO** میاید.»

7- به نام خدا همیشه و در هر جا باید بصورت بزرگ نوشته شود.

In The Name Of God.

خدا = **God** اما کوچک نوشته شود به معنی بت است!

8- بعد از حرف **p** حرف **s** بیاید، **p** تلفظ نمیشود. «فقط اول کلمات این چنین خوانده

میشود» : **Psychology** = روانشناسی

Some Notice Grammar

چند نکته گرامری

ترجمه کلمه از در انگلیسی:

1- **of** «از جز به کل است، با اعداد همراه است»:

One **of** the students

2- **from** «از تفکیک و جدایی و با مکان و زمان به کار می رود»:

Take the knife **from** the child.

to be from /to come from. به معنی بودن اهل جایی

3- **out of** «به معنی از داخل محیطی به خارج محیط»:

I go **out of** the class.

out of sight , **out of** mind .

4- **through** «به معنی گذر از بین و از طریق»:

The river passes **through** this
village. I can see **through** the glass.

Don't look **through** the pipe.

5- **than** «در صفات تفضیلی استفاده میشود»:

My brother is older **than** me.

6- **since** «از وقتی که و از معنی میشود»:

Since you are my friend I want to help you.

Since he is a good worker, I want to employ him.

7- **how** «به معنی از کجا و چطور است»:

How do you know my name?

How do you know my address?

8- **from/at** «برای خرید از جایی از **at** استفاده میکنیم»:

I bought the book **from** Ali.

I bought the book **from** my father.

I bought the book **from** my teacher.

I bought the bread **at** the baker's.

Preposition +ing verbs

	preposition	verb	
Are you interested	in	working	for us?
I'm not very good	at	learning	Languages.
She must be fed up	with	Studying.	
What are the advantages	of	having	A car?
This knife is only	for	cutting	Bread.
How	about	playing	Tennis tomorrow.
I bought a new car	instead of	going	Away on holiday.
Carol went to work	in spite of	feeling	ill.

Prepositions with verb

Before –ing and after –ing:

- Before going out, I phoned Sara.
- What did you do after leaving school?

By –ing (to say how something happens):

- The burglars got into the house by breaking window.
- You can improve your English by reading more.
- She made herself ill by not eating properly.

Without –ing:

- I ran ten without stopping.
- They climbed through the window without anybody seeing.
- She needs to work without people disturbing her.
- It's nice to go on holiday without having to worry about money.

افعال زیادی ساختار فعل + حرف اضافه+مفعول دارند:

- We talked about the problem
- You must apologies for what you said.

اگر مفعول یک فعل باشد، **ing** -میگیرد :

- We talked about going to America.
- She apologized for not telling the truth.

succeed (in)	Have you succeeded	in	finding a job yet?
insist (on)	They insisted	on	paying for the meal.
think (of)	I'm thinking	of	buying a house.
dream (of)	I wouldn't dream	of	asking them for money.
approve (of)	She doesn't approve	of	gambling.
decide (against)	We have decided	against	moving to London.
feel (like)	Do you feel	like	going out tonight?
look forward (to)	I'm looking forward	to	meeting her.

Verbs

If a verb ends in –e we leave e before the ending –ing:
hope/hoping smile/smiling dance/dancing

Notice=be/being not delete –e

If verb ends in-e we add –d for the past regular verbs:

Hope/hoped smile/smiled dance/danced

Adjectives and adverbs

If an adjective ends in –e,we add –r and –st for comparative&superlative:

wide/wider/widest late/later/latest large/larger/largest

if an adjective ends in-e,we keep e before the adverb ending-ly:

polite/politely extreme/extremely absolute/absolutely

if an adjective ends in –le,the adverb ending is-ply,-bly etc.:

simple/simplely terrible/terribly reasonable/reasonably

We don't double the final consonants if the word ends in two consonants:

Start/starting/started help/helping/helped long/longer/longest

We don't double the final consonants if there are two vowels before it:

Boil/boiling/boiled need/needing/needed

explain/explaining/explained

Cheap/cheaper/cheapest loud/louder/loudest quiet/quieter/quietest

We don't double y or w at the end of the words:

Stay/staying/stayed grow/growing new/newer/newest

مخفف افعال کمکی در انگلیسی:

دقت کنید که در مخفف کردن **will** از **won't** بجای **willn't** استفاده میکنیم.

'm=am	I'm					
's=is/has		he's	she's			
're=are				you're	we're	they're
've=have	I've			you've	we've	they've
'll=will	I'll			you'll	we'll	they'll
'd=would/had	I'd	he'd	she'd	you'd	we'd	they'd

Spelling notice

نکات املائی

Noun + -s/-es	books	ideas	matches
Verb + -s/-es	works	enjoys	washes
Verb + -ing	working	enjoying	washing
Verb + -ed	worked	enjoyed	washed
Adjective + -er	cheaper	quicker	brighter
Adjective + -est	cheapest	quickest	brightest
Adverb + -ly	cheaply	quickly	Brightly

- Nouns and verbs + s/es

The ending is –es when the word ends in –s/-ss/-sh/-ch/-x

Match/matches bus/buses box/boxes

Wash/washes miss/misses search/searches

Note also: Potato/potatoes tomato/tomatoes do/does go/goes

- Y does not change before –ing:

Hurrying studying applying trying

- Y does not change if the word ends in a vowel +y(-ay/-ey/-oy):

Play/plays/played enjoy/enjoys/enjoyed buy/buys

Expection: day/daily pay/paid lay/laid say/said

Verbs ending in –ie (die/lie/tie)

- If a verb ends in –ie, ie changes to y before the ending –ing:

Die/dying lie/lying tie/tying

- If we have one vowel & one consonant we use of double consonants:

stop	p	→	pp	stopping	stopped
plan	n	→	nn	planning	planned
rub	b	→	bb	rubbing	rubbed
big	g	→	gg	bigger	biggest
wet	t	→	tt	wetter	wettest
thin	n	→	nn	thinner	thinnest

If a word ends in a consonant + y(-by/-ry/-sy/-vy):

Y changes to ie before the ending –s:

Baby/babies lorry/lorries country/countries

Hurry/hurries study/studies apply/applies

Y changes to I before the ending –ed:

Hurry/hurried study/studied apply/applied try/tried

Y changes to I before the ending –er & -est:

Easy/easier/easiest heavy/heavier/heaviest

Y changes to i before the ending –ly:

Easy/easily heavy/heavily temporary/temporarily



PART B

PHOTO DICTIONARY ENGLISHIAN PROVERBS

Photo dictionary/Tools









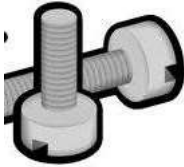






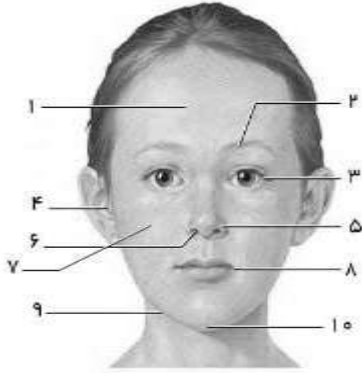
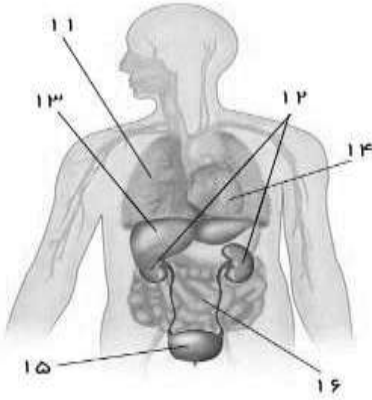
		
<i>Wrench</i>	<i>Pliers</i>	<i>Shovel</i>
		
<i>Saw</i>	<i>Flashlight</i>	<i>Plunger</i>
		
<i>Screwdriver</i>	<i>Axe</i>	<i>Screw</i>
		
<i>Hammer</i>	<i>Scraper</i>	<i>Scissors</i>
		
<i>Nut</i>	<i>Nail</i>	<i>Rope</i>

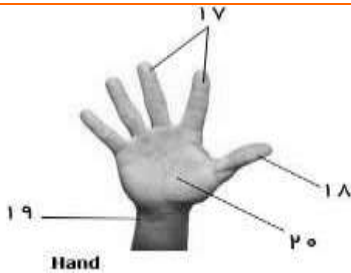
Photo dictionary/Body



- 1- پیشانی: Forehead
2- ابرو: Eyebrow
3- چشم: Eye
4- گوش: Ear
5- بینی: Nose
6- سوراخ بینی: Nostril
7- گونه: Cheek
8- دهان: Mouth
9- فک: Jaw
10- چانه: Chin



- 11 ریه: Lung
12 کلیه: Kidney
13 - کبد: Liver
14 - قلب: Heart
15 - مثانه: Bladder
16 - روده: Intestine



- 17- انگشتها: Fingers
18 - شست: Thumb
19 - مچ: Wrist
20 - دست کف: Palm

Photo dictionary/vegetables















			
<i>Radish</i>	<i>Onion</i>	<i>Cabbage</i>	<i>Eggplant</i>
			
<i>Chili</i>	<i>Garlic</i>	<i>Parsley</i>	<i>Celery</i>
			
<i>Lettuce</i>	<i>Mushroom</i>	<i>Cucumber</i>	<i>Peas</i>
			
<i>Tomato</i>	<i>Potato</i>	<i>Carrot</i>	<i>Cauliflower</i>
			
<i>Pumpkin</i>	<i>Spinach</i>		

Photo dictionary/Fruits

















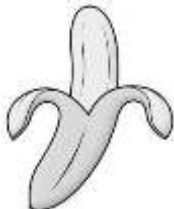
			
<i>Grape</i>	<i>Watermelon</i>	<i>Lemon</i>	<i>Apple</i>
			
<i>Pomegranate</i>	<i>Orange</i>	<i>Peach</i>	<i>Pear</i>
			
<i>Apricots</i>	<i>Melon</i>	<i>Coconut</i>	<i>Pineapple</i>
			
<i>Tangerine</i>	<i>Cantaloupe</i>	<i>Strawberry</i>	<i>Cherry</i>
			
<i>Banana</i>			

Photo dictionary/Foods

			
<i>Cake</i>	<i>Spaghetti</i>	<i>Pizza</i>	<i>Sandwich</i>
			
<i>Cookies</i>	<i>Fish</i>	<i>Coffee</i>	<i>Milk</i>
			
<i>Butter</i>	<i>Cheese</i>	<i>Sausage</i>	<i>Soup</i>
			
<i>Egg</i>	<i>Toast</i>	<i>Bread</i>	<i>Ice-cream</i>

Colors

<i>Purple</i>	بنفش	<i>Red</i>	قرمز
<i>Brown</i>	قهوه ای	<i>Orange</i>	نارنجی
<i>Pink</i>	صورتی	<i>Yellow</i>	زرد
<i>White</i>	سفید	<i>Green</i>	سبز
<i>Black</i>	مشکی	<i>Blue</i>	آبی

Photo dictionary/ Geometric shapes

















			
<i>Square</i>	<i>Rectangle</i>	<i>Rhomboid</i>	<i>Octagon</i>
			
<i>Oval</i>	<i>Semicircle</i>	<i>Diamond</i>	<i>Circle</i>
			
<i>Pentagon</i>	<i>Star</i>	<i>Point</i>	<i>Spiral</i>
			
<i>Triangle</i>	<i>Pyramid</i>	<i>Cube</i>	<i>Angle</i>

Photo dictionary/Clothes




			
<i>Socks</i>	<i>Bib</i>	<i>Shirt</i>	<i>Dress</i>
			
<i>Button</i>	<i>Gloves</i>	<i>Skirt</i>	<i>Boots</i>
			
<i>Scarf</i>	<i>Needle</i>	<i>Jacket</i>	<i>Slippers</i>
			
<i>Belt</i>	<i>Tie</i>	<i>Hat</i>	<i>Trousers</i>
			
<i>Jeans</i>	<i>Shoes</i>	<i>Winter hat</i>	

Photo dictionary/Transportation




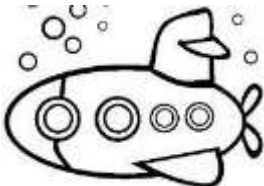










		
<i>Lorry/truck</i>	<i>Bus</i>	<i>Ambulance</i>
		
<i>Submarine</i>	<i>tank</i>	<i>Bicycle</i>
		
<i>Train</i>	<i>Airplane</i>	<i>Helicopter</i>
		
<i>Fire engine</i>	<i>Caravan</i>	<i>Tractor</i>
		
<i>Car</i>	<i>Motorcycle</i>	

Photo dictionary/Sports















			
<i>swimming</i>	<i>Archery</i>	<i>Baseball</i>	<i>Basketball</i>
			
<i>Cricket</i>	<i>Discus</i>	<i>Ice hockey</i>	<i>Horse racing</i>
			
<i>Long jump</i>	<i>Soccer</i>	<i>Rugby</i>	<i>Wrestling</i>
			
<i>Volleyball</i>	<i>Ping-Pong</i>		

Photo dictionary/illness



He has a **sore throat**. His throat hurts.
He has a **cough**.



She hurt her back. She has a **backache**.
Her back is sore.



He has a **headache**. His head hurts



She hurt her toe. Her **toe hurts**.



She has **cramps**



He **hurt** his finger. He has a hurt finger. His **finger hurts**.



He has a **bad cold**. His nose is **stuffy**.
He has a **runny nose**.



He has a **stomachache**. His **stomache** hurts.



He has a **fever**. His temperature is up.
His fever is up.



He has a **bad cut**. His arm is cut.

English Proverbs

First catch your hare, then cook him

مرغی که در هواست نباید به سیخ کشید

To run with the hare and hunt with the hounds

یکی به میخ و یکی به نعل زدن

To carry coals to Newcastle

زیره به کرمان بردن

To go with the stream

همرنگ جماعت شدن

To move heaven and Earth

آسمان را به زمین دوختن

Physician, heal theyself

گل اگر طبیب بودی سر خود دوا نمودی

To milk the ram

آب در هاون سائیدن

Spare the rod and spoil the child

کسی که بچه خود را نزند روزی به سینه خود خواهد زد



PART C

**STORY
7LAW S
VOWEL S
CONSONANT S
VERBS**

Seven Law for learn English

7 قانون برای یادگیری انگلیسی

تصور کنید بدون فکر کردن انگلیسی صحبت می کنید کلمات به آسانی و به سرعت به واسطه زبان شما ادا میشوند و همچنین در آن واحد مفهوم صحبت های دیگران را درک می کنید برای اینکار شما باید شیوه یادگیری مکالمه زبان انگلیسی خود را تغییر بدهید. اولین قدم کنار گذاشتن یادگیری لغات زبان انگلیسی است تعجب کردید؟؟ بله درست است. لغات را حفظ نکنید، انگلیسی زبانها، انگلیسی را بر اساس یادگیری لغات نمی آموزند. بلکه انها اصطلاحات (عبارات) را یاد می گیرند که ترکیبی از یک گروه لغت می باشند که معنی خاص خود را می دهند. بر اساس تحقیقات صورت گرفته یادگیری مکالمه زبان انگلیسی با اصطلاحات (عبارات) 4 تا 5 برابر سریعتر از یادگیری زبان انگلیسی بر اساس تک لغات می باشد همچنین دانش آموزانی که اصطلاحات (عبارات) را یاد می گیرند.

قانون اول: همیشه در پی یادگیری اصطلاحات (عبارات) باشید و نه تک لغت ها. هرگز کلمات را بصورت جداگانه و منفرد یاد نگیرید هرگز. وقتی یک لغت جدید می بینید همیشه اصطلاحی (عبارت) را که این لغت جدید در آن به کار برده شده است یادداشت کنید و وقتی می خواهید مرور کنید همیشه همان اصطلاحات (عبارات) را مطالعه کنید و نه کلمات را (اصطلاحات) (عبارات) را گردآوری کنید مکالمه و گرامر زبان شما 4-5 برابر سریعتر بهبود می یابد باز تکرار می کنم هرگز هیچ تک لغت را در دفتر یادداشت ننویسید و کلمات را نه بصورت تکی بلکه بصورت اصطلاحات (عبارات) یادداشت و مطالعه کنید.

قانون دوم: از یادگیری گرامر انگلیسی دست بردارید. همین الان اینکار را بکنید کتابهای گرامر را کنار گذاشته و فراموششان کنید. گرامر به شما آموزش می دهد که شما به زبان انگلیسی فکر کنید ولی شما می خواهید به صورت خودکار با زبان صحبت کنید بدون فکر کردن، بدین صورت شما مثل یک انگلیسی زبان انگلیسی را یاد می گیرید.

قانون سوم و مهمترین قانون: اول گوش کنید. شما هر روز باید به انگلیسی گوش فرادهید متون انگلیسی را نخوانید بلکه فقط گوش دهید، خیلی ساده است این کلید موفقیت شما در یادگیری مکالمه انگلیسی است خواندن متون انگلیسی را بیخیال شوید و گوش دادن به صورت مداوم و روزانه را شروع کنید.

قانون چهارم: یادگیری آرام و عمیق بهترین است. راز یادگیری راحت مکالمه انگلیسی یادگیری دقیق کلمات و عبارات انگلیسی می باشد، اینکه ما توضیح کلمات را بدانیم و یا فقط برای آزمون انرا در حافظه بسپاریم کفایت نمی کند بلکه باید ملکه ذهن ما شوند. برای یادگیری مکالمه انگلیسی باید بارها و بارها یک درس را مطالعه کنیم شما باید خیلی عمیق مطالعه کنید.

مطالعه عمیق، مکالمه راحت: اما چگونه اینکار انجام شدنی است: برای اینکار فقط لازم است چندین بار یک درس را مطالعه کنید مثلا اگر شما یک کتاب صوتی دارید قبل از اینکه به درس 2 بروید درس 1 را 33 بار گوش دهید. مثلا 13 روز و روزی 3 بار، اما چگونه می توان گرامر را بطور عمیق یادگرفت ... در قسمت های بعد به این بخش هم خواهیم رسید.

قانون پنجم: یادگیری گرامر با اسفاده از یک داستان در قالب چندین زمان مختلف برای یادگیری طبیعی و نه دستوری گرامر انگلیسی باید یک داستان (نوشته - پاراگراف و .. (صوتی را انتخاب کنید که افعال آن در زمان حال صرف شده اند حال به یکی از دوستان که به انگلیسی مسلط تر است بگوئید همین نوشته را در یک زما دیگر (گذشته ساده - آینده - گذشته کامل و .. (بنویسد و برایتان ضبط کند و دوباره انرا گوش کنید حال شما می توانید با یک نوشته (صدا) چندین حالات گرامری را یادبگیرید و شما لازم نیست قواعد گرامری را یادبگیرید فقط با شنیدن این نوشته در زمانهای مختلف با این زمانها آشنا خواهید شد و گرامر شما خودبخود بهبود می یابد. قانون چهارم لازمه این قانون است یعنی یادگیری عمیق (تکرار - تمرین - تلاش)

قانون ششم: برای بهبود انگلیسی باید دروس و منابع انگلیسی واقعی را هم مطالعه کنید، خوب این یعنی چی؟ اگر می خواهید انگلیسی واقعی یعنی همان انگلیسی که

در جوامع انگلیسی زبان استفاده می شود را یاد بگیرید باید از منابعی استفاده کنید که در این باره نگاشته شده اند نظیر فیلمها ، مجلات واقعی ، کتب صوتی واقعی ، رادیوها و... واقعی منظور این است که انگلیسی زبان ها خودشان از آن استفاده می کنند گوش می دهند ، نگاه می کنند و می خوانند . اگر بنا دارید انگلیسی واقعی را بفهمید و صحبت کنید باید علاوه بر مطالعه دوره هایی که صرفا برای آموزش انگلیسی طرح شده اند به منابعی روی بیابورید که انگلیسی زبانان روزانه از آنها استفاده می کنند در این صورت است که شما انگلیسی که یاد می گیرید منطبق با انگلیسی است که در جوامع انگلیسی زبان استفاده می شود کسانی هستند که 4 سال از وقت خود را صرف یادگیری انگلیسی کرده اند اما از فهم مکالمات انگلیسی زبانان عاجزند چرا ؟ مشکل از شما نیست مشکل از مدرسه آموزش زبان شماست . دوره های آموزش زبان و سی دی های آموزشی و دیگر هیچ، پس در کنار این منابع از منابعی که در آنها انگلیسی واقعی مشاهده می شود و یا استعمال می شود هم استفاده نمایید.

قانون هفتم: گوش کنید و جواب دهید نه اینکه فقط گوش دهید و تکرار کنید. در کنار هر درسی سوالاتی هم مطرح میشوند همیشه به سوالات جواب دهید و از کنار آنها نگذرید. بهنگام گوش دادن به منابع صوتی از یکی از دوستان بخواهید در باره داستان از شما سوال کند و شما به آنها جواب دهید این به شما یاد می دهد که سریع فکر کنید و جواب را پیدا کنید.

How To Read?

چطور بخوانید؟

معمولاً افراد هنگام مطالعه‌ی یک متن (مثلاً یک روزنامه) سعی میکنند با حداقل تلاش و حداکثر سرعت به مضمون اصلی مطلب پی ببرند. شاید بتوان این استراتژی را «سریع خوانی» نامید. در این استراتژی مغز تلاش میکند تا جای ممکن کلمات کمتری را بخواند و تنها کسری از ثانیه روی هر کلمه توقف میکند. ممکن است زبانآموزان نیز این استراتژی را برای خواندن متون انگلیسی بکار بگیرند. حال باید دید این استراتژی (سریع خوانی) چه ویژگی‌هایی دارد: کلمات گرامری از قبیل حروف اضافه و حروف تعریف دیده نمیشوند. چشم تنها روی کلماتی از قبیل اسمها، فعلها، صفات و قیدهای اصلی توقف میکند و جوه کلمه دیده نمیشود (مانند قسمت دوم یا سوم بودن یک فعل). (به املائی دقیق کلمه دقت نمیشود. دانسته شده است که مغز کل کلمه را از روی شکل آن تشخیص میدهد و آن را بصورت حرف به حرف تجزیه و تحلیل نمیکند. به کلمات مشکلی که برای درک معنی کلمه ضروری نیستند توجه نمیشود) برای صرفه جویی در وقت به دیکشنری مراجعه نمیشود. (البته «سریع خوانی» روش بسیار خوبی برای صرفه‌جویی در وقت است. اما مشکل اینجاست که شما برای درک یک مطلب به کلمات گرامری خیلی نیاز ندارید، اما برایشان یک متن یا مطلب (هنگام نوشتن یا صحبت کردن) به آنها نیاز دارید. بنابراین اگر به چیزهایی مانند حروف تعریف و حروف اضافه دقت نکنید، نخواهید توانست آنها را به درستی در جملات خودتان بکار گیرید. به همین دلیل بعضی از زبانآموزان یک کتاب 300 صفحه‌ای را تمام میکنند و همچنان با گرامر نسبتاً پایهای هم مشکل داشته باشند. و باز به همین دلیل است که حروف اضافه و حروف تعریف جزو سختترین قسمتهای آموزش زبان انگلیسی محسوب میشوند. توصیه‌ای که در اینجا به زبانآموزان میشود این است که اگر میخواهید مهارتهای خروجی (نوشتن و مکالمه) خود را افزایش دهید، باید به خودتان یاد بدهید که به کلمات گرامری توجه کنید.

Why you don't learn English?

چرا انگلیسی را یاد نمیگیرید؟

بشر در هیچ دوره‌های این چنین با حجم انبوهی از داده‌ها و اطلاعات مواجه نبوده است. سرگردانی انسان امروز، انتخابی مناسب از بین هزاران امکانی است که عمر کوتاهش را بر نمیتابد و این سرگردانی، در انتخاب روشی مناسب برای یادگیری یک زبان بین المللی با گستره تولید جهانی، صد چندان شده است. کتابها، فیلمهای صوتی - تصویری، کلاسهای آموزشی رسمی و غیر رسمی، نرم افزارها و پهنه گسترده اینترنت در کارند تا امر فراگیری یک زبان خارجی تحقق یابد. آیا اشکال در بهره هوشی ما دانش آموزان و دانشجویان ایرانی است که با گذراندن بیش از ده سال از دوران راهنمایی تا دانشگاه هنوز نتوانسته‌ایم در حد قابل قبولی زبان بیاموزیم؟ چرا ما دانش آموزان و دانشجویان ایرانی با گذراندن بیش از ده سال، از دوران دبیرستان تا دانشگاه، هنوز نتوانسته‌ایم در حد قابل قبولی زبان بیاموزیم. بدون شک اشکال در بهره هوشی و تواناییهای ما نیست بلکه مشکل در روشها و تکنولوژیهای است که ما با استفاده از آنها زمان بزرگی از زندگی خویش را از دست داده‌ایم. عمده‌ترین دلایل ناکامی در فراگیری زبان در کشور ما بقرار زیر است:

ترس

ما همیشه زبان را درس مشکلی تصور می کردیم که باید آنرا امتحان دهیم و بدین دلیل هرگز فرصت استفاده از آنرا بصورتی نیافتیم که از آن لذت ببریم.

تکیه بر محیط مبتنی بر متن

دنیای واقعی زبان، یک دنیای صوتی است. در حالی که سیستم آموزشی ما، دنیایی مبتنی بر متن بوده است و این باعث میشود، که مشکل تلفظ نیز بر مشکلات بیشتر ما افزوده شود. بدلیل عدم زیستن در یک محیط واقعی صوتی با آن احساس بیگانگی میکنیم. نتیجه این سیستم آموزشی در آرمانی ترین شرایط تربیت مترجم بود، نه کسی که با زبان بتواند ارتباط برقرار کند.

تکیه بر گرامر

کاش ما زبان را با روش کودکان یاد می‌گرفتیم که کمترین اهمیتی برای دستورات پیچیده زبان نمیدهند. راستی ما، خود چقدر با گرامر زبان مادری خود آشنا هستیم؟ دستورات گرامری در تمامی زبانها یک موضوع کاملاً تخصصی و انتزاعی از زبان است و اگر نه اینست، پس اینهمه رشته‌های دانشگاهی سطح بالا در رابطه با دستور زبان چه معنی میدهند؟ حرف زدن با رعایت دستورات گرامری زبانی پر از استثناء، مانند انگلیسی، تقریباً غیر ممکن است.

تأکید بر یادگیری لغات

آموزش ما، حفظ کردن فرهنگهای لغت بود، هر معلمی برای خود دیکشنری کوچکی میساخت که مجبور به حفظ کردن آن بودیم و متأسفانه هنوز هم کار به همین منوال است. در یک فرهنگ انگلیسی نگاهی به لغت **GET** یا **TAKE** بیندازید. دو صفحه معنی مختلف و گاه متضاد برای یک لغت، سردرگمی آدمی را در آموزش صد چندان میکند. فرق عمده زبان انگلیسی با زبان فارسی در این است که لغات در زبان انگلیسی عمدتاً وقتی معنی واقعی دارند که در کنار سایر لغات قرار میگیرند. مثلاً لغت **Take** معنی واضحی ندارد، در حالی که معنی عبارت **off Take** کاملاً مشخص است.

اهمیت دادن به امر خواندن

در هر زبانی چهار عنصر عمده خواندن، نوشتن، صحبت کردن و گوش دادن وجود دارد. آنچه در سیستم آموزش رسمی ما بیش از همه به آن پرداخته شده است امر خواندن میباشد. در برخی از کلاسهای غیر رسمی نیز صحبت از هم زمانی چهار عنصر رفته است. اما وقتی ما در محیط واقعی زبان قرار میگیریم در مییابیم که اگر هدف فراگیری زبان باشد، عنصر خواندن و نوشتن اهمیت درجه چندم دارند، به این دلیل ساده که در تمامی زبانها افراد بی سواد آن جامعه نیز قادر با تکلم زبان مادری خود هستند.

چطور لهجه خود را عوض کنید؟ How Chang Your Accent?

بسیاری از مشکلاتی تلفظی که زبانآموزان با آنها مواجه هستند در نتیجه استفاده غلط از اصواتی است که در زبان مادری خود به کار میبرند. بنابراین مشکلات تلفظی که شما از آن رنج میبرید احتمالاً مشابه مشکلاتی است که دیگر زبان آموزان «هم زبان» شما هم با آن مواجه هستند. وقتی یک انگلیسیزبان بومی (native) به شما میگوید که شما (بعضاً) بعنوان مثال (لهجه روسی یا چینی دارید، در واقع این نکته را تأیید میکند. بسیاری از برنامههای کاهش لهجه بر اساس تحقیقاتی است که اصوات خاصی را که هر گروه زبانی (مثلاً فرانسوی، چینی، اسپانیایی) مشخص میکنند. در حالیکه موقع ادای کلمات انگلیسی مشکل دارند.

به حرکات دهان انگلیسی زبانان توجه کنید:

موقع تماشای برنامههای زبان اصلی به حرکات دهان گوینده خوب دقت کنید. آنچه که میگوید را تکرار کنید و لحن صدای او را تقلید کنید.

شمرده صحبت کنید:

تا وقتی که لحن و اصوات انگلیسی را بخوبی فرا نگرفتهاید، شمرده صحبت کنید. اگر شما سریع و با لحن و تلفظ غلط صحبت کنید، انگلیسی زبانها در فهمیدن آنچه که میخواهید بگویند مشکل پیدا خواهند کرد. همچنین اگر شما به «اشتباه صحبت کردن» خود ادامه دهید، این اشتباهات در ذهن شما ماندگار خواهند شد. از دیکشنری استفاده کنید. با علامت های فونتیک دیکشنری خود آشنا باشید و تلفظ صحیح کلماتی را که ادای آنها برای شما دشوار است در آن جستجو کنید. یک فهرست از کلماتی که تلفظ آنها برای شما دشوار است، تهیه کنید و از یک دوست انگلیسی زبان (بخواید آنها را برای شما تلفظ کند. خوب است صدایش را ضبط کنید و بعداً به آن گوش دهید و خودتان هم آن را تکرار کنید. اگر چنین دوستی ندارید میتوانید از نرم افزارهایی که کلمات را با صدای ضبط شده انسان ادا میکنند استفاده کنید یا برای این منظور میتوانید از نرم افزار **pronunciation power** و یا دیکشنری گوپای لانگ من استفاده کنید).

Read To Know

به کتابهای نوآر دار گوش دهید. با تهیه کتابهایی که دارای یک نوار یا سیدی صوتی هستند میتوانید در یک زمان هم بخوانید و هم گوش کنید. بخشهایی از کتاب را با صدای بلند بخوانید و صدای خودتان را ضبط کنید. صدای خودتان را با گوینده اصلی مقایسه کنید و سعی کنید اشتباهاتتان را اصلاح کنید. به پسوندهای **S&ED** دقت کنید.

تلفظ صحیح کلماتی که به **s** و **ed** ختم میشوند را یاد بگیرید. مثلاً **s-** یا **-es** را در نظر بگیرید. این پسوند گاهی صدای **S** میدهد مثلاً در **eats**، گاهی صدای **Z** و گاهی هم صدای **IZ** میدهد.

هر روز به مدت 15 تا 22 دقیقه یک متن انگلیسی (مثلاً یک کتاب داستان) را با صدای بلند بخوانید. این به شما کمک میکند که آن دسته از عضلات دهان را که برای انگلیسی صحبت کردن به کار می‌آیند، تقویت کنید. تحقیقات نشان میدهد که برای صحبت کردن یک زبان جدید حدود سه ماه تمرین روزانه مورد نیاز است تا عضلات دهان (برای آن زبان خاص) تقویت شوند.

How Learn Words?**چطور لغات را بیاموزید؟**

به خاطر سپردن لغتهای یک زبان خارجی می تواند یکی از بخشهای خسته کننده در فراگیری زبان باشد. خوشبختانه روشهای مختلفی برای سرعت بخشیدن و نیز لذت بخش کردن آن وجود دارد که در ادامه به آن می پردازیم:

کارت‌های نمایش (Flash cards)

استفاده از کارت‌های نمایش سریعترین روش برای مرور لغاتی است که نیاز به تکرار دارند. این روش بسیار مؤثر و در عین حال کم هزینه است. روش کار بدین صورت است که یک دسته کارت مقوایی، در اندازه‌های که در جیب جا شوند، تهیه میکنید، در یک روی آن لغت انگلیسی رامینویسید و در سمت دیگر کارت معنی آن را به فارسی وارد میکنید. همانطور که کارتهارا مرور میکنید، لغتها را به دو دسته تقسیم میکنید: آنهایی که معنی آنرا فوراً به خاطر می‌آورید و آنهایی که به راحتی نمیتوانید معنی آن را به خاطر آورید. به مرور لغتهایی که هنوز به آنها تسلط پیدا نکرده‌اید آنقدر ادامه میدهید تا اینکه مطمئن شوید آنها را بخوبی یاد گرفته‌اید.

دفتر لغت: سعی کنید حتماً یک دفتر لغت مناسب تهیه کنید و هر موقع که به لغت جدیدی برخوردید آن را در دفترتان یادداشت کنید. فقط به نوشتن لغت و معنی آن اکتفا نکنید. بعضی از مواردی که میتوانید در دفترتان ثبت کنید عبارتند از: توضیح انگلیسی معنی لغت، مترادف‌ها، متضاده‌ها، تصاویر، جملات نمونه (به انگلیسی)، (علائم فونتیک، نوع کلمه) اسم، فعل و ... (نکات گرامری) قابل شمارش، غیرقابل شمارش و ... (کلمات هم خانواده و ...)

تصویر سازی ذهنی: در این روش شما یک لغت انگلیسی را با یک لغت فارسی که تلفظ یا املای مشابهی دارد، به نحوی مرتبط می کنید که الزاماً از لحاظ معنایی با **tongue** هم ارتباطی ندارند. بعنوان مثال اگر شما برای اولین بار به لغت) تانگ: به معنی زبان (برخوردید، متوجه میشوید که تلفظ آن شبیه تانک در فارسی است. برای مثال میتوانید فرض کنید بجای زبان یک تانک در حال شدن است.

تکرار، تکرار و تکرار

مطالعات نشان میدهند که احتمال فراگیری لغاتی که بیش از 8 بار به هنگام مطالعه متنهای مختلف دیده میشوند، بسیار بیشتر از لغاتی است که کمتر تکرار شده‌اند. همچنین زبانشناسان به اتفاق معتقدند که تکرار لغات با صدای بلند به از بر کردن آنها کمک زیادی میکند. بنابراین گاهی همین تکرار کردن ساده حافظه شما را برای بخاطر سپردن لغات دشوار یاری میکند. در ضمن توصیه میشود که جمله کاملی را که لغت مورد نظر را در خود دارد، از بر کنید و یا چند بار با صدای بلند تکرار نمایید.

مطالعه آزاد

شما میتوانید دایره لغات خود را با مطالعه آزاد افزایش دهید، اگر چه بسیاری از زبانشناسان ادعا میکنند که در ابتدا باید بین 3222 تا 5222 لغت و هم خانوادههای آنها را فرا بگیریم تا این توانایی را پیدا کنیم که معنی دقیق لغات را با توجه به متن آن پیدا کنیم. پس تا آنجا که میتوانید وقت آزاد خود را برای مطالعه متنهای انگلیسی (داستانهای کوتاه، اخبار و مقالات و ...) اختصاص دهید.

هنگامیکه صحبت از دیکشنری به میان می‌آید، افراد اغلب به یک دیکشنری دو زبانه، مثلاً انگلیسی به فارسی، فکر میکنند. اما باید بدانید که بهترین دیکشنری برای زبان‌آموزها، دیکشنری تک‌زبانه یا انگلیسی به انگلیسی است. البته منظور ما این نیست که نباید از دیکشنری انگلیسی به فارسی استفاده کنید، بلکه منظور این است که تأکید اصلی شما باید روی دیکشنری انگلیسی به انگلیسی باشد. در بخش بعدی در مورد نحوه‌ی استفاده از دیکشنری بیشتر توضیح خواهیم داد، اما در اینجا به بیان ویژگیهای یک دیکشنری انگلیسی به انگلیسی می‌پردازیم. در یک دیکشنری انگلیسی به انگلیسی کلمات ترجمه نشده‌اند، بلکه به زبان انگلیسی توضیح داده شده‌اند، بنابراین استفاده‌ی منظم از این نوع دیکشنریها باعث میشود بطور خودکار گرامر و لغات را بخاطر بسپارید. آنها فایده‌ی دیگری هم برای شما دارند و آن اینست که هنگامیکه یک لغت را در دیکشنری جستجو میکنید ممکن است با کلمات تازه‌تری هم مواجه شوید و بدین ترتیب در یک زمان چند لغت را فرا میگیرید. بطور کلی یک دیکشنری خوب باید اطلاعات زیر را به شما برساند:

توضیح معنی هر لغت به انگلیسی

تلفظ صحیح لغت از طریق علائم فونتیک - نوع کلمه (صفت، فعل، قید، اسم و...) ...
ویژگیهای دستوری یا گرامری کلمه (مثلاً قسمتهای دوم و سوم فعل، قابل شمارش یا غیرقابل شمارش بودن یک اسم و...) ...

ترتیب قرارگیری لغات مثلاً **do homework** و نه **make homework**

جملات نمونه برای هر لغت کلمات هم معنی و متضاد (بعضی از لغات) یک
دیکشنری خوب باید وقتی دنبال یک کلمه میگردید، یک جمله نمونه برای آن کلمه داشته باشد. مثلاً دنبال لغت مهربان در دیکشنری میگردید، دیکشنری خوب باید یک جمله با مهربان درست کرده باشد، که بتوانید از آن استفاده کنید.

Englishian idioms

اصطلاحات (idioms) کلمات و عبارات ثابتی هستند که یا از لحاظ گرامری غیرعادی هستند مثل **Long time, no see!** و یا از این جهت که دارای معنی هستند که نمیتواند از معانی کلمات تشکیل دهنده آن استخراج شود مانند:

Its raining cats & dogs.

هر زبانی دارای اصطلاحات خاص خودش میباشد و اغلب فراگیری آنها برای زبانآموزها دشوار میباشد. اصطلاحات و افعال چند قسمتی در انگلیسی محاورهای نیز بسیار مورد استفاده قرار میگیرند و در بسیاری از آزمونهای زبان انگلیسی و از جمله در بخش شنیداری آزمون تافل نیز مهارت شما در شناخت و درک اصطلاحات انگلیسی مورد ارزیابی قرار میگیرد. اصطلاحات نقش بسیار مهمی را در زبان انگلیسی ایفا میکنند و در واقع کاربرد آنها چنان گسترده است که برای برقراری ارتباط مؤثر، چه در شنیدن و صحبت کردن و چه در خواندن و نوشتن، کاملاً ضروری به نظر میرسند. درک صحیح این اصطلاحات و یافتن این حس که آنها کی و چگونه مورد استفاده قرار بگیرند واقعاً میتواند توانایی شما را در خواندن متون انگلیسی و درک مکالمات روزمره افزایش دهد. اما چطور میتوان این حجم زیاد اصطلاحاتی را که در نوشتارهای روزمره وجود دارد، فرا گرفت؟

یک راه این است که لغات کلیدی خاصی را در زبان انگلیسی در نظر بگیرید و اصطلاحات مرتبط با آن را فرا بگیرید. بعنوان مثال لغت **head**، لغت کلیدی بسیاری از اصطلاحات است. یک «دیکشنری اصطلاحات» خوب حداقل 42 اصطلاح روزمره که دربرگیرنده این لغت میباشد را فهرست میکند. لغات کلیدی دیگری که با این هدف میتوان جستجو کرد عبارتند از: رنگها، حیوانات و... یک روش دیگر آن است که اصطلاحات انگلیسی را با اصطلاحات زبان مادری خودتان مقایسه کنید. این میتواند یک تمرین جالب و در عین حال وسیلهای برای بخاطر سپردن مؤثرتر اصطلاحات باشد. مثالهای زیر را در نظر بگیرید و به شباهتشان با معنی فارسی آنها دقت کنید.

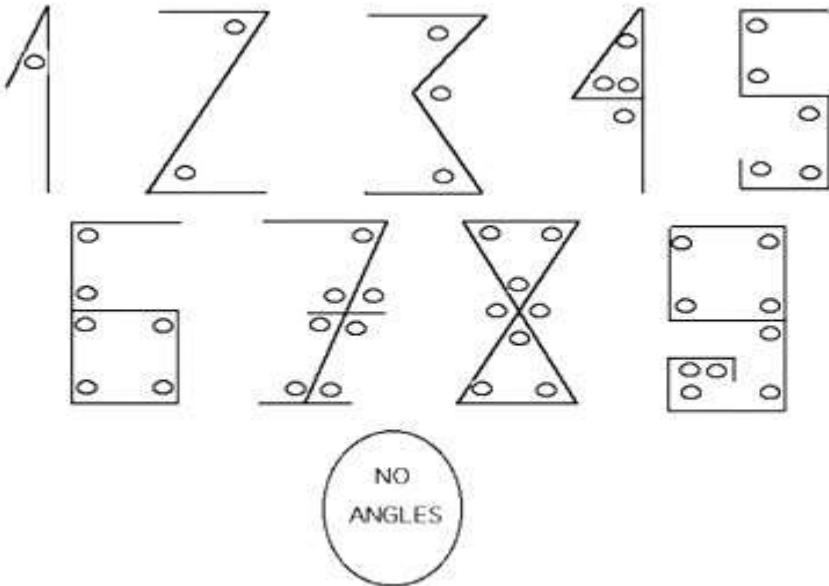
Number secret

راز اعداد

راز اعداد در زبان انگلیسی چیست؟

آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که چرا در زبان انگلیسی اعداد به صورت 1، 2، 3 و ... نوشته میشوند؟ آیا میدانید که نوشتن هر یک از این اعداد یک دلیل دارد و آن تعداد زاویه‌های موجود در اعداد است.

ماجرای این قرار است که به ازای هر عدد زاویه، آن عدد خوانده میشود؛ مثلاً عدد 1 چون تنها یک زاویه دارد، یک خوانده میشود. برای عدد 2 چون دو زاویه دارد، دو خوانده میشود و ... برای درک بهتر به عکس زیر نگاه کنید:



Source: Translate of Oxford-University (page119to131)

The mushrooms

قارچ ها

Often we do a mistake which we don't know what we are doing.

Martin & his friends want to go picnic, they went to Martin's garden. They ate mushrooms for lunch & at night they came back. They were very tired so they slept at near of the road. In the morning when they woke up they were in a hotel. They had a lot of money. All of them want to marry at that night so they thought somebody want to steal their money. So they catched those men and gave them to police. Martin's father came to hotel he thought they are sick so he took them to hospital. The doctor said to Martin's father they're ate venom mushrooms & had imagine disorder. One of that men who they're catched was hotel's boss. He lost her wallet yesterday in Liverpool's bank & they're gave back wallet from Liverpool to London But they think that man was robber because they eat venom mushroom. (All of the boys gave imagine disorder & they thought the hotel's worker were robber & they catched all of them as robber.)

Words

Boss: رئیس

venom: سمی

Cached: گرفتن

mushroom: قارچ

Robber: دزد

steal: دزدیدن

Wallet: کیف پول مردانه

disorder: اختلال

Imagine: تصور کردن/تخیل

Exams

▪ **Find subjective pronouns:**

- 1..... 2..... 3.....
4..... 5..... 6.....
7..... 8..... 9.....

▪ **Find objective pronouns**

- 1..... 2..... 3.....
4..... 5..... 6.....

▪ **Find irregular/regular verbs**

- 1..... 2..... 3.....
4..... 5..... 6.....
7..... 8..... 9.....

▪ **Find relative clauses**

- 1..... 2..... 3.....
4..... 5..... 6.....
7..... 8..... 9.....

▪ **True/False**

Write T (True) or F (False) in front of sentences.

-) 1 Martin & his friends went to park.....
) 2 they were ate banana.....
) 3 They slept at hovel.....
) 4 They cached Martin's father.....) 5 Martin's
father took them to police office.....

Present	Past	p.p
Be	Was/were	Been
Become	Became	Become
Begin	Began	Begun
Break	Broke	Broken
Bring	Brought	Brought
Build	Built	Built
Burn	Burnt	Burnt
Buy	Bought	Bought
Come	Came	Come
Do	Did	Done
Draw	Drew	Drawn
Drink	Drank	Drunk
Drive	Drove	Driven
Eat	Ate	Eaten
Feed	Fed	Fed
Find	Found	Found
Fly	Flew	Flown
Forget	Forgot	Forgotten
Get	Got	Gotten/got
Give	Gave	Given
Go	Went	Gone
Grow	Grew	Grown
Have	Had	Had
Hear	Heard	Heard
Keep	Kept	Kept
Know	Knew	Known
Learn	Learnt	Learnt
Leave	Left	Left
Let	Let	Let
Lose	Lost	Lost
Make	Made	Made
Mean	Meant	Meant

Meet	Met	Met
Pay	Paid	Paid
Put	Put	Put
Read	Read	Read
Ride	Rode	Ridden
Rise	Rose	Risen
Say	Said	Said
See	Saw	Seen
Sell	Sold	Sold
Send	Sent	Sent
Shine	Shone	Shone
Show	Showed	Shown
Sing	Sang	Sung
Sit	Sat	Sat
Sleep	Slept	Slept
Speak	Spoke	Spoken
Spend	Spent	Spent
Stand	Stood	Stood
Swim	Swam	Swum
Take	Took	Taken
Teach	Taught	Taught
Tell	Told	Told
Think	Thought	Thought
Understand	Understood	Understood
Wake	Woke	Woken
Wear	Wore	Worn
Write	Wrote	Written

افعال زیر میتوانند هم باقائده و هم بی قائده باشند، در انگلستان شکل بی قائده فعل های زیر بیشتر کاربرد را دارند:

burn → burned or burnt	smell → smelled or smelt
dream → dreamed or dreamt [dremt]*	spell → spelled or spelt
lean → leaned or leant [lent]*	spill → spilled or spilt
learn → learned or learnt	spoil → spoiled or spoilt

چند مثال:

- I leant out of the window. or I leaned out of the window.
- The dinner has been spoilt. or The dinner has been spoiled.

معادل فارسی	نشانه	مثال	تلفظ
ا (کشیده)	ɜ:	sir	/sɜ:(r) /
آ (کوتاه)	ɔ	apart	/ɔ'pa:t /
ای	eɪ	bay	/beɪ /
آی	aɪ	buy	/baɪ/
أی	ɔɪ	boy	/bɔɪ/
أو	əʊ	know	/nəʊ /
آو	aʊ	now	/naʊ /
ای ا	ɪə	pier	/pɪə(r) /
او ا	ʊə	poor	/pʊə(r) /
ایع	eə	pair	/peə(r) /
ای (کشیده)	i:	bee	/bi:/
ای (متوسط)	i	silly	/sɪli /
ای (کوتاه)	ɪ	kid	/kɪd /
ا	e	said	/sed /
آ	æ	bad	/bæd /
آ (کشیده)	a:	cart	/ka:t /
آ (متوسط)	ɒ	cot	/kɒt /
آ (کوتاه)	ʌ	cut	/kʌt /
او (کشیده)	u:	food	/fu:d /
او (کوتاه)	ʊ	foot	/fʊt/
أ (کشیده)	ɔ:	saw	/sɔ:/

معادل فارسی	نشانه	مثال	تلفظ
ن	n	know	/nəʊ /
ل	l	line	/laɪn /
ر	r	rain	/reɪn /
ی	j	yes	/jes /
و	w	we	/wi:/
ش	ʃ	show	/ʃəʊ /
ز	ʒ	measure	/'meɪʒə(r) /
ج	tʃ	child	/tʃaɪld /
ج	dʒ	jack	/dʒæk /
ث	θ	tooth	/tu:θ /
ذ	ð	they	/ðeɪ /
نگ	ŋ	sing	/sɪŋ /
پ	p	pool	/pu:l /
ب	b	bed	/bed /
ت	t	tea	/ti:/
د	d	day	/deɪ /
ک	k	cat	/kæt /
گ	g	good	/gʊd /
ف	f	five	/faɪv /
و	v	voice	/voɪs /
س	s	see	/si:/
ز	z	zoo	/zu:/
ه	h	high	/haɪ /
م	m	man	/mæn /

Letters sound

صدای حروف انگلیسی

a /ei/	b /bi:/	c /si:/	d /di:/	e /i:/
f /ef/	g /dʒi:/	h /eitʃ/	i /ai/	j /dʒei/
k /kei/	l /el/	m /em/	n /en/	o /əu/
p /pi:/	q /kju:/	r /ɑːr/	s /es/	t /ti:/
u /ju:/	v /vi:/	w /ˈdʌblju:/	x /eks/	y /wai/
z /zed zi:/				

Alphabet

حروف الفبای انگلیسی




شما میتوانید برای حفظ حروف صدا دار این صورت را برای خود مجسم کنید:




Place

مكانها

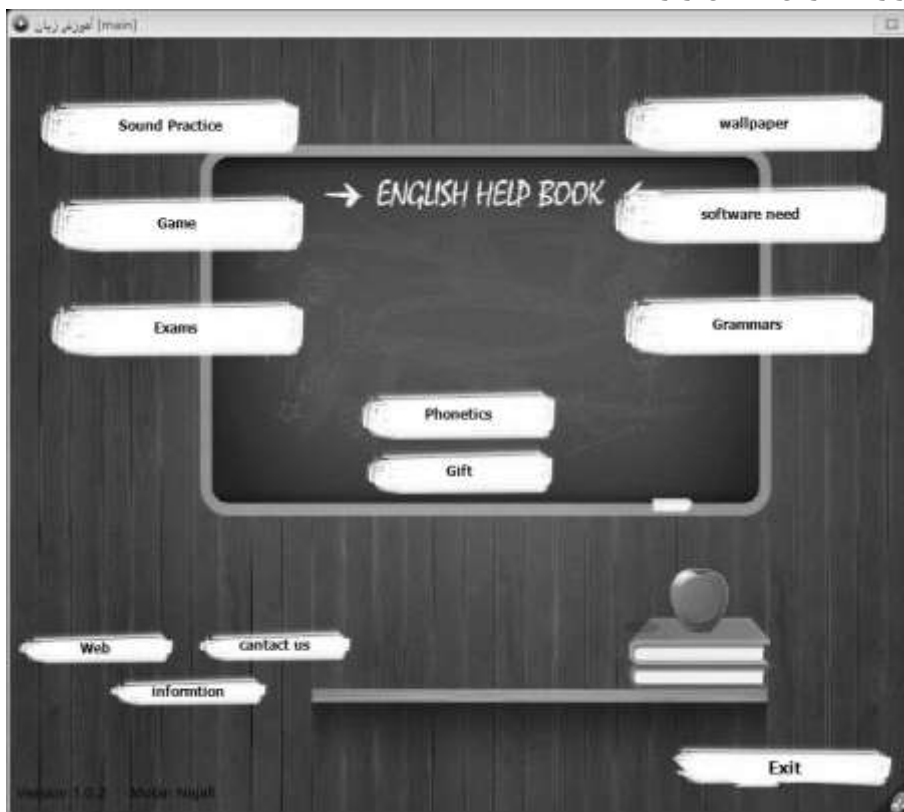
	<ul style="list-style-type: none"> Jane is going to France next week. We walked from the hotel to the station. A lot of English words come from Latin. 	
	<ul style="list-style-type: none"> We jumped into the water. A man came out of the house and got into a car. Why are you looking out of the window? I took the old batteries out of the radio. <p>We say put something in . . . (<i>not usually into</i>):</p> <ul style="list-style-type: none"> I put new batteries in the radio. 	
	<ul style="list-style-type: none"> Don't put your feet on the table. Please take your feet off the table. I'm going to hang some pictures on the wall. Be careful! Don't fall off your bicycle. We got on the bus downtown. 	
	<ul style="list-style-type: none"> We walked up the hill to the house. Be careful! Don't fall down the stairs. 	
	<ul style="list-style-type: none"> The plane flew over the mountains. I jumped over the wall into the garden. Some people say it is unlucky to walk under a ladder. 	
<p>through</p>  	<ul style="list-style-type: none"> A bird flew into the room through a window. The old highway goes through the town. The new road goes around the town. The bus stop is just around the corner. I walked around the town and took some pictures. 	<p>around</p>   <p>around the town</p>

next to beside/ between/in front of

	<p>A is next to B or A is beside B B is between A and C. D is in front of B E is behind B</p> <p>also</p> <p>A is on the left C is on the right B is in the middle</p>
---	---

Software/Electro English Help

نرم افزار کتاب یار الکترونیک مکملی است برای کتاب یار زبان که آزمون و نکات ریز گرامری و بازی و تمرینات و فونتیک ها در آن قرار داده شده است، پس شما میتوانید ضمن مطالعه کتاب از این نرم افزار نیز استفاده خود را ببرید، برای تهیه نرم افزار با آدرس ایمیل زیر مکاتبه نمایید.



نظرات و انتقادات خود را برای ما ارسال نمایید.

Mobin580@gmail.com

www.English-help-book.rzb.ir